



خوابگاه دخترانه‌ی دانشگاه بامیان یک سال پس از افتتاح آن هنوز فعال نشده است

اطلاعات روز: همزمان با آغاز درس‌های حضوری دانشگاه‌ها در کشور، مسئولان در ریاست دانشگاه بامیان می‌گویند که خوابگاه دخترانه‌ی این دانشگاه با گذشت حدود یک سال از افتتاح آن...

صفحه ۲

با لغو محکومیت نولا داسیلوا، راه برای حضور او در انتخابات ۲۰۲۲ برزیل باز شد

صفحه ۶

به مناسبت روز زن:

طالبان و حقوق زنان



صفحه ۷

عصر فقدان مزاری

صفحه ۸

یادداشت روز

نشانه‌های پررنگ اختلاف

طرح تازه امریکا برای برقراری صلح در افغانستان بار دیگر، مسأله صلح افغانستان را در محراق توجه‌ها قرار داده است. به نظر می‌رسد برخلاف انتظار تغییر جدی در اراده امریکا برای بیرون رفتن از افغانستان به وجود نیامده است. اداره جدید امریکا همچنان در پی خلاصی از مرداب یک جنگ فرسایشی و پرهزینه است. این رویکرد از نامه تازه وزارت خارجه امریکا به دولت افغانستان به خوبی پیداست. در نامه‌ی شدیدالحن وزیر خارجه امریکا به رئیس جمهور غنی آمده است که همه‌ی گزینه‌ها در خصوص روند صلح افغانستان و از آن جمله، خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان در ماه می سال جاری روی میز است.

از محتوای طرح جدید امریکا و نامه عتاب‌آمیز این کشور به رهبران افغانستان به خوبی پیداست که در هر صورت اداره بایدن تصمیم گرفته است وضعیت افغانستان را یکسره کند. حکومت افغانستان دو راه بیشتر ندارد؛ یا با طرح جدید امریکا همراه می‌شود که در این صورت برپایی حکومت انتقالی صلح، اعلام و اجرای آتش‌بس، تدوین و تصویب قانون اساسی جدید و سرانجام برگزاری انتخابات برای انتخاب یک رئیس دولت منتخب تحقق پیدا می‌کند...

۲

تسریع در مذاکرات دوحه؛ روسیه در ۲۸ حوت نشستی را در مورد صلح افغانستان میزبانی می‌کند



۲

پارلمان اروپا مصونیت کارلس پوچدمون و دو نماینده استقلال طلب کاتالونیا را لغو کرد



۶

ادعاهای ضدونقیض از سقوط «حوض مدد» ژبری توسط طالبان؛ «شاهراه قندهار - هلمند مسدود است» اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت قندهار می‌گویند که منطقه‌ی «حوض مدد» در ولسوالی ژبری این ولایت به دست جنگ‌جویان گروه طالبان...

۲

افغانستان و ترکیه تفاهم‌نامه‌ی همکاری‌های زراعتی و مالداری امضا کردند



۲

پایان دادن به جنگ نیابتی پاکستان در افغانستان

پایان دادن به جنگ نیابتی پنهانی پاکستان در افغانستان عنوان یک کار پژوهشی است که به‌تازگی توسط کریس الکساندر انجام و از سوی موسسه مک‌دونالد لوربیر در کانادا به نشر رسیده است. این کار پژوهشی سازماندهی جنگ نیابتی آی‌اس‌آی (سازمان استخباراتی پاکستان) در افغانستان را با جزئیات بررسی کرده و نتیجه‌گیری می‌کند که برای آوردن صلح به افغانستان باید به پاکستان فشار وارد شود. مقدمه بسیاری از ناظران در سراسر جهان افغانستان را «یک جنگ بی‌پایان» می‌دانند. پس از دو دهه درگیری سنگین توسط سازمان ملل، ناتو و ایالات متحده در کنار حداقل ۷۵ کشور تمویل‌کننده یا فرستنده نیرو، از جمله کانادا، یک روند صلح منزلزل تحت فشار انفجارهای...

مؤرخ

تجلیل از روز جهانی زن در فضای خفقان و خون

از روز جهانی زن در افغانستان در حالی بزرگداشت می‌شود که این کشور روزهای دشواری را سپری می‌کند. قتل‌های هدفمند به‌ویژه زنان فعال و خبرنگار در ماه‌های اخیر افزایش یافته و بر فعالیت‌های اجتماعی زنان تأثیر منفی گذاشته است...



۷

عمر بن لادن، هنرمندی که جهاد را ترک کرد (۱) گفت‌وگو با نقاشی که فرزند بدنام‌ترین تروریست جهان است

عمر بن اسامه بن محمد بن عوض بن لادن، چهارمین پسر اسامه بن لادن بنیان‌گذار القاعده، در آپارتمانش در ساحل «ترماندی» فرانسه «ترانه‌ی آخرین گاوچران» را در یوتیوب گوش می‌دهد. او رنگ‌ها را روی پالت چوبی‌اش هم می‌زند و از «پیپ هانت» آلمانی عتیقه‌اش کام تنباکو می‌گیرد. بر روی بوم نقاشی‌اش منظره‌ی نیمه‌شب جنوب امریکا در حال کامل شدن است. شعله‌های آتشی که پنج گاوچران دورش نشسته‌اند، به عمر کمک کرده نیمرخ آن‌ها را با کلاه‌های لبه‌دارشان از باقی منظره جدا کند. عمر توضیح می‌دهد که معنی این نقاشی «آزادی» است.

این مرد ۴۰ ساله‌ی تنها و منزوی یک سال پیش تصمیم گرفت در خانه‌اش نقاشی بیاموزد و زندگی را از نگاه یک هنرمند مجسم کند...

۳

خانه موفقیت

The TOEFL HOUSE

Unlock the World with TOEFL

TOEFL Preparation

شعبه (کوته سنگی): کوته سنگی، گولای دواخانه، ایستگاه سابقه.
شعبه (برچی): برچی، ایستگاه مغازه، کوچه اول باغ خان.
شعبه (سلیم کلون): سرک چهل متره، چهارراهی سلیم کلون.

0747 994 244
0745 651 844
0747 918 200

toeflhouse@gmail.com TOEFL House

ادامه‌یادداشت‌روز

و وضعیت سیاسی و آینده افغانستان کاملاً در مسیر جدید قرار می‌گیرد. یا هم با طرح مخالفت می‌کند. پیامد مخالفت با طرح تازه امریکا از محتوای نامه به خوبی پیداست: این‌که بسیار محتمل است امریکا حکومت فعلی افغانستان را به حال خودش بگذارد. در نامه به رییس‌جمهور غنی هشدار داده می‌شود که در صورت امتناع از همکاری نزدیک، با خروج نیروهای امریکایی، طالبان قلمرو بیشتری را تصرف خواهند کرد.

وضعیت از آنچه پیش‌بینی می‌شد، آشفته‌تر است. از روزی که طرح جدید امریکا و نامه وزارت خارجه این کشور به رهبران حکومت افغانستان رسانه‌ای شده، اختلاف میان نیروهای سیاسی درون و بیرون‌حکومتی بیشتر دهن باز کرده و مواضع‌شان متشتت و پراکنده است. شاخه ارگ و برخی از سیاستمداران همسو با رییس‌جمهور غنی با موضع تازه امریکا به‌طور روشن به مخالفت برخاسته‌اند، اما شورای عالی مصالحه از این طرح استقبال و بسیاری از چهره‌های مطرح سیاسی هم سکوت کرده‌اند. مخالفت ارگ، استقبال شورای عالی مصالحه‌ی ملی و سکوت جناح‌های دیگر نشانه‌های پرنرنگ اختلاف در صف جمهوریّت است. ممکن است در روزهای آینده اختلاف‌ها بیشتر شود.

فزاموش نکتیم که اختلاف در صف حوزه جمهوریّت از آغاز بر سر روند صلح وجود داشته است. از روز اول نیروهای سیاسی افغانستان، ارگ و سپیدار اجماع و وحدت نظر در مورد صلح با طالبان نداشته‌اند. طالبان از نبود انسجام سیاسی در جمهوری اسلامی افغانستان تا کنون نفعی زیادی برده است. با استفاده از همین ضعف طالبان دو سال پیش و قبل از شروع مذاکرات دوبار با نیروهای سیاسی افغانستان وارد مذاکره شد، فرایندی که افغانستان به‌عنوان یک دولت به کلی کنار زده شد. طالبان به‌دنبال این است که در افغانستان با نیروهای سیاسی پراکنده و متشتت روبه‌رو شوند. چنددستگی در حوزه جمهوریّت، سقوط جمهوری اسلامی به کام امارت اسلامی یا دست‌کم نافذشدن طالبان بر جمهوریّت در مذاکرات و توافق صلح را به دنبال دارد.

اگر امریکا در هر حال تصمیم گرفته که از افغانستان خارج شود، با یا بدون صلح، فقط یک چیز می‌تواند از سقوط جمهوری اسلامی در کام امارت طالبان جلوگیری کند؛ عبور از خودخواهی و قدرت‌طلبی. صلح یک مسأله‌ی ملی و مربوط به سرنوشت‌جمعی مردم افغانستان است. برخورد ناسنجیده و احساساتی فقط آشفستگی، پراکندگی و بی‌اعتمادی را بیشتر می‌کند. اگر منافع جمعی و سرنوشت مردم افغانستان برای نیروهای سیاسی مهم است، عقل حکم می‌کند که به‌دور از هیاهوی سیاسی بنشینند و طرح تازه امریکا را موشکافی و هر آنچه به نفع مردم افغانستان و آینده کشور است، روی آن توافق یا موارد اصلاحی‌شان را ارائه کنند. نه نیروهای موافق طرح امریکا و نه هم اردوگاه مخالف به تنهایی قادر است که از پس این وضعیت پیچیده و دشوار بیرون شود. اگر جمهوری اسلامی افغانستان موضع یکدست بگیرند، امریکا نمی‌تواند واقعا آن را نادیده بگیرند.

سه دهه پیش رفتار ناسنجیده و قدرت‌طلبی برخی جناح‌های سیاسی باعث شد افغانستان سال‌ها شناور در خون باشند. امروز بار ملامتی آن رفتار ناسنجیده را بر دوش می‌کشند. وضعیت امروز بسیار شبیه به همان دوران است. بار دیگر افغانستان در دامن هرج‌ومرج سیاسی به روشنی هشدار داده شده است. مواضع سیاه و سفید ارگ، شورای عالی مصالحه ملی و نیروهای سیاسی دیگر تنها به جنگ، التّهاب سیاسی و سرایشیی سقوط شتاب بیشتر می‌دهد.

اطلاعات روز: شورای عالی مصالحه‌ی ملی کشور می‌گوید که قرار است دولت روسیه در تاریخ ۱۸ مارچ (۲۸ حوت) نشست‌ی را در مورد صلح افغانستان در شهر مسکو برگزار کند. فریدون خزون، سخن‌گوی شورای عالی مصالحه‌ی ملی دیروز (سه‌شنبه، ۱۹ حوت) در یک پیام ویدیویی گفته است که روسیه برای اشتراک در این کنفرانس از رهبری دولت، چهره‌های سیاسی، عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی، رهبران طالبان و برخی از کشورهای منطقه و امریکا دعوت کرده است.

آقای خزون افزوده است که هم‌اکنون رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی در حال حضور در روسیه است. وی در یک پیام ویدیویی گفته است که روسیه برای اشتراک در این کنفرانس از رهبری دولت، چهره‌های سیاسی، عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی، رهبران طالبان و برخی از کشورهای منطقه و امریکا دعوت کرده است.

مشورت درباره‌ی این دعوت است. همچنان در نسخه‌ای از دعوت‌نامه که ضمیر کابلوف، نماینده‌ی ویژه‌ی رییس‌جمهور روسیه در امور افغانستان به رهبران حکومت و چهره‌های سیاسی فرستاده است، آمده که این نشست قرار است تا ۹ روز دیگر در مسکو، پایتخت روسیه برگزار شود. براساس دعوت‌نامه، در این نشست دو نفر به نمایندگی از حکومت، دو نفر به نمایندگی از شورای عالی مصالحه‌ی ملی، پنج نفر به نمایندگان از طالبان و شش یا هفت نفر نیز به نمایندگی از چهره‌ها و رهبران جریان‌های سیاسی اشتراک خواهند کرد.

هدف از برگزاری این نشست در مسکو، سرعت‌بخشیدن به روند مذاکرات می‌باشد. وی در یک پیام ویدیویی گفته است که روسیه برای اشتراک در این کنفرانس از رهبری دولت، چهره‌های سیاسی، عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی، پنج نفر به نمایندگان از طالبان و شش یا هفت نفر نیز به نمایندگی از چهره‌ها و رهبران جریان‌های سیاسی اشتراک خواهند کرد.

بین‌الافغانی در شهر دوحه، پایتخت قطر خوانده شده است. مسکو پیشن از این نیز میزبان دو نشست در مورد صلح افغانستان بودند. در این نشست‌ها شماری از چهره‌های سیاسی و نمایندگان گروه طالبان شرکت کرده بودند. محمدحنیف اتمر، وزیر امور خارجه‌ی کشور دو روز پیش (دوشنبه، ۱۸ حوت) نیز در یک نشست خبری در کابل گفت که مشورت‌ها برای برگزاری این نشست «۳+۲» با جانب مسکو جریان دارد. آقای اتمر به نقل از اعلام روسیه افزود که این نشست برای حمایت از روند صلح افغانستان برگزار می‌شود.

همچنان محمدکریم خلیلی، رهبر حزب وحدت اسلامی و رییس پیشین شورای

پاکستان از مُد محقق دعوت کرد که به اسلام‌آباد سفر کند

در همین حال، محمد محقق گفته است که پاکستان می‌تواند در تأمین صلح در افغانستان نقش عمده ایفا کند.

آقای محقق همچنان ضمن اشاره به خشونت‌های رو به افزایش در یک سال گذشته، گفته است که پاکستان باید از نفوذش بر طالبان در راستای «قطع جنگ و برادرکشی» و روی آوردن به آتش‌بس و صلح استفاده کند.

مشاور ارشد رییس‌جمهور در امور سیاسی و امنیتی افزوده است که حکومت افغانستان مذاکرات صلح در دوحه را به‌طور جدی دنبال کرده، اما به نتیجه‌ی قابل لمس نرسیده است. محقق در عین حال گفته است که صلح را به به خیر افغانستان، منطقه و جهان می‌داند و در هر نقطه‌ی جهان مذاکره شود، حاضرند راه حل‌های معقول را بپذیرند. سفیر پاکستان درحالی از محمد محقق برای سفر رسمی به اسلام‌آباد دعوت کرده است که پیش از این عبدالله عبدالله رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی و شماری دیگر از چهره‌های سیاسی از جمله محمدکریم خلیلی، گلبدین حکمتیار و احمدولی مسعود نیز به دعوت رسمی پاکستان به آن کشور سفر کرده بودند.

خوابگاه دخترانه‌ی دانشگاه بامیان یک سال پس از افتتاح آن هنوز فعال نشده است

آقای فرزان در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفت که با تصوب بودجه‌ی سال مالی ۱۴۰۰ از سوی مجلس نمایندگان، این مشکلات رفع شده و به‌زودی خوابگاه در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد.

به گفته‌ی او، در حال حاضر هیچ گونه مشکلی که بتواند مانع اقدام برای استفاده از خوابگاه دخترانه‌ی دانشگاه بامیان شود، وجود ندارد.

این درحالی است که بامیان یکی از ولایت‌های سردسیر در زون مرکز کشور است. دانشجویان دختر به دلیل سردی هوا با مشکلاتی از جمله نبود مکان مناسب برای بودوباش مواجه هستند.

هیأت هنوز به بامیان نیامده است. عزیز محبی در عین حال گفت که تمام مشکلات خوابگاه دخترانه‌ی دانشگاه بامیان را از طریق مکاتب رسمی با وزارت تحصیلات عالی درمیان گذاشته است. او گفت که وزارت تحصیلات عالی برای رفع این مشکلات وعده سپرده، اما هنوز به وعده‌اش عمل نکرده است.

در همین حال، محمدحنیف فرزان، معاون سخن‌گوی وزارت تحصیلات عالی می‌گوید که برای فعال کردن خوابگاه دخترانه‌ی دانشگاه بامیان از قبل مشکلات تخنیکی، بودجوی، اداری، تشکیل و امکانات وجود داشت.

آقای محبی توضیح داد که یک چاه در ساحه‌ی خوابگاه حفر شده، اما آب آن شور و غیرقابل استفاده است. به گفته‌ی او، خوابگاه برای فعال کردن مرکزگرمی‌ها، ماشین‌های لباس‌شویی و... به برق سه فاز نیاز دارد، اما شرکت برشنا در بامیان برق سه فاز تأمین کرده نمی‌تواند.

رییس دانشگاه بامیان همچنان گفت که طعم‌خانه‌ی خوابگاه دخترانه‌ی این دانشگاه تا کنون از سوی شرکت قراردادی به آن‌ها تحویل داده نشده است. او تأکید کرد که طی مکتوبی به وزارت تحصیلات عالی، خواستار آمدن یک هیأت تخنیکی از کابل شده تا این طعم‌خانه را تحویل بگیرد، اما

اطلاعات روز: همزمان با آغاز درس‌های حضوری دانشگاه‌ها در کشور، مسئولان در ریاست دانشگاه بامیان می‌گویند که خوابگاه دخترانه‌ی این دانشگاه با گذشت حدود یک سال از افتتاح آن، هنوز برای پذیرایی دانشجویان آماده نشده است.

عزیز محبی، رییس دانشگاه بامیان دیروز (سه‌شنبه، ۱۹ حوت) به روزنامه اطلاعات روز گفت که چهار دلیل عمده از جمه منظورنشدن تشکیل کارمندان خوابگاه، نبود آب و برق و همچنان آماده نبودن طعم‌خانه باعث شده است که خوابگاه دخترانه عملاً در اختیار دانشجویان قرار نگیرد.

افغانستان و ترکیه تفاهم‌نامه‌ی همکاری‌های زراعتی و مالرداری امضا کردند

انورالحق احدی امضای این تفاهم‌نامه را آغاز خوبی برای تقویت هماهنگی و همکاری میان افغانستان و ترکیه خوانده و گفته است که تلاش می‌کنند آن‌را به شکل بهتر تطبیق کنند. به گفته‌ی او، ترکیه تجربه‌های خوبی برای رشد زراعت دارد و امضای این تفاهم‌نامه می‌تواند باعث تقویت روابط دو کشور شود.

وزیر زراعت و جنگل‌داری ترکیه نیز امضای این تفاهم‌نامه را یک آغاز خوب برای تبادل‌ی معلومات میان دو کشور دانسته است. او همچنان گفته است که کشورش می‌خواهد افغانستان را در راستای رشد زراعت همکاری کند.

براساس معلومات وزارت زراعت، آبیاری و مالرداری، سند تفاهم زراعتی و مالرداری میان افغانستان و ترکیه در ده ماده توسط تیم مشترک دو کشور تهیه شده است.

ادعاهای ضدونقیض از سقوط «حوض مدد» ژبری توسط طالبان؛ «شاهراه قندهار – هلمند مسدود است»

در منطقه‌ی حوض مدد در مسیر شاهراه قندهار – هلمند، از مسیرها فرعی تردد می‌کند. اما جمال‌ناصر بارکزی، سخن‌گوی فرماندهی پولیس قندهار سقوط این منطقه به دست گروه طالبان را رد می‌کند. او در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفت که جنگ‌جویان طالبان تنها بر بخش‌هایی از مسیر شاهراه قندهار – هلمند در منطقه‌ی حوض مدد، ایست بازرسی ایجاد کرده‌اند.

در همین حال، او افزود که عملیات برای پاکسازی این بخش شاهراه از وجود جنگ‌جویان طالبان از دو روز پیش آغاز شده است. آقای بارکزی گفت که هنوزهم

خبرهای داخلی

تسریع در مذاکرات دوحه؛

روسیه در ۲۸ حوت نشستی را در مورد صلح افغانستان میزبانی می‌کند

عالی مصالحه‌ی ملی تأیید کرده است که برای شرکت در این نشست دعوت شده است.

ارگ ریاست‌جمهوری و شماری دیگر از چهره‌های سیاسی که در این نشست دعوت شده‌اند، هنوز در این مورد چیزی نگفته‌اند.

روسیه درحالی برای سرعت‌بخشیدن به مذاکرات دوحه، این نشست را برگزار می‌کند که مذاکرات صلح میان دولت افغانستان و گروه طالبان از حدود دو ماه پیش به این طرف به کندی پیش می‌رود. هیأت‌های مذاکره‌کننده دو طرف از آغاز مرحله‌ی دوم گفت‌وگوها در تاریخ ۱۶ جدی تاکنون به جز چند بار، دیگر باهم دیداری نداشته‌اند.



محمود فضل، مانثلی مترجم: جلیل پژواک

عمر بن لادن، هنرمندی که جهاد را ترک کرد (۱)

گفت‌وگو با نقاشی که فرزند بدنام‌ترین تروریست جهان است



عمر بن لادن سوار بر اسب (منبع: The Monthly)

کهنه‌سرباز جنگ شوروی-افغانستان را که هنوز تحت فرماندهی اسامه بودند، به عربستان بیاورد. او که به شدت به دنبال تأییدی خانواده سلطنتی بود، به شاهزاده نایف اطمینان داد که سربازانش تمام و کمال در اختیار عربستان خواهند بود.

در ۷ اگست ۱۹۹۰ اسامه از طریق رسانه‌های عربی خبر شد که ائتلافی از نیروهای نظامی به رهبری ایالات متحده قرار است از مقدس‌ترین سرزمین اسلامی دفاع کنند. صبح آن روز نیروهای سعودی به مزرعه وی یورش بردند و سربازانش را دستگیر کردند.

عمر می‌گوید: «زخم این حادثه احساسات و عواطف پدرم را برای همیشه تغییر داد.»

در همان روز ارتش آمریکا قبل از ورود به کویت و بیرون‌راندن نیروهای عراقی، در عربستان سعودی فرود آمد. عمر می‌گوید: «پیروزی آسان ادر برابر صدام [ظاهراً او را بیشتر از پیش عصبانی کرد و باعث شد که من باور کنم که او شکست با شمشیر مسلمان را به پیروزی به وسیله کفار ترجیح می‌دهد.»

پس از آن اسامه به منتقد جدی خاندان سلطنتی سعودی تبدیل شد. او با سخنرانی در مساجد، توزیع رساله‌ها و ضبط و پخش نوارهای صوتی ادعا کرد که عربستان در حال تبدیل شدن به مستعمره ایالات متحده است. او تصمیم گرفت که خانواده و شبه‌نظامیان تحت امرش را به «خارطوم» سودان مهاجرت دهد.

عمر ۱۰ ساله بود که خانواده‌اش به سودان نقل مکان کردند. اسامه با سرمایه‌گذاری در یک پروژه آزمایشی کشاورزی موسوم به «مزارع الدمازین» خیلی زود مشغول تلاش‌ها برای تغییر این کشور فقیر شد. با این حال، عمر با اشاره به نگاه منفی پدرش نسبت به مدرنیته، می‌گوید: «ما هنوز هم نمی‌توانستیم بایسکل یا هر نوع وسیله حمل و نقل دیگری غیر از شتر داشته باشیم. یادم است که از پدرم خواستم برایم بایسکل یا موتور بخرم. اما او گفت: «عمر، اگر لازم است سفر کنی با یک بز سفر کن.» سخنی که هرگز فراموش نمی‌کنم.»

عمر اغلب در نقاشی‌هایش به نیل رجوع می‌کند. بر روی بوم نقاشی‌اش رودخانه لاجوردفام نیل با رنگ‌های سفید پاشیده بر بوم سوسو می‌زند. او به یاد می‌آورد که «در رودخانه زیر آسمان پرستاره شنا می‌کردم. انعکاس نور ماه در نیل یکی از زیباترین مناظری است که تاکنون دیده‌ام.»

باری در یک مناسبته، یکی از کارگران پدرش تصمیم می‌گیرد برای ارباب خود یک قایق تیزرفتار بسازد. طبعاً از خود اسامه خواسته شد که کاپیتانی قایق را به عهده بگیرد. وقتی قایق سرعت می‌گیرد، اسامه درون رود نیل پرتاب می‌شود. تماشگران فریاد می‌زنند: «شاهزاده به دردمس افتاده است! شاهزاده به دردمس افتاده است!» در طول صحبت مان تنها جایی که عمر لبخند زد، لحظه‌ی یادآوری این خاطره بود.

اسامه عادت داشت بهترین باشد. او متقی‌ترین، بهترین سوارکار، ماهرترین راننده، سریع‌ترین دوند و بهترین تیرانداز بود. عمر می‌گوید: «پدر مان آنقدر از دست‌دادن کنترل یک چیز شرمند می‌شد که راستش آنروز وقتی از قایق پرتاب شد زیر آب رفت تا پنهان شود. او پشت قایق خود آویزان شد، چهره‌اش را قایم کرد و نمی‌خواست کسی شاهد حقارتش باشد.»

یک روز بعد از ظهر وقتی عمر در حال خواندن قرآن بود، گلوله‌ها صغیرکشان از پنجره وارد اتاقش شد. حکومت سودان بعداً به خانواده بن لادن گفت که دولت سعودی برای هدف قراردادن خانواده بن لادن آدم‌کش استخدام کرده است. پادشاه عربستان سعودی با ارسال نامه‌ای به اسامه نوشته بود که انتظار تماس تلفنی از جانب شخص وی را دارد. اسامه حاضر به تماس با شاه نشد. دولت سعودی تصمیم گرفت که شهروندی خانواده بن لادن را لغو و دارایی‌هایش را ضبط کند.

عمر در آن زمان ۱۴ ساله بود و کم‌کم آشفتگی باورهای سیاسی پدرش را درک می‌کرد. در خارطوم او متوجه حضور روزافزون شبه‌نظامیانی شد که از افغانستان می‌آمدند. او همچنین کم‌کم در مورد گروه پدرش، القاعده، که معنای آن «پایگاه» است، اطلاعات به دست آورد. (او می‌گوید: «آرزویم این بود که او فعالیت‌هایش را به پرورش بزرگ‌ترین گل آفتاب‌گردان که جهان تاکنون در خود دیده است محدود می‌کرد.»)

آن‌زمان درگیر جنگ چریکی در افغانستان بود. پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹، او به سعودی برگشت و به‌عنوان قهرمان جهاد مورد استقبال قرار گرفت. اسامه در کنار داشتن گروهی از جنگ‌جویان مجاهد مسلح به ایمان، برخوردار از سرمایه‌گذاری بی‌پایان، راکت و نقشه‌های امریکایی، معتقد بود که او یک ابرقدرت را شکست داده است. عمر می‌گوید که پدرش «تنها فرد غیرنظامی در عربستان سعودی بود که می‌توانست با موتورهای شیشه سیاه گشت‌وگذار کند، با مسلسل روی شانه‌اش از خیابان‌های جده عبور کند.»

اسامه بن لادن در همان زمان شروع به ذخیره مواد غذایی، شمع، چراغ نفتی، مخابره‌های دستی و ماسک‌های ضد گاز کرد. پسران بن لادن از خاطر بازی با ماسک مورد سرزنش قرار گرفتند. آخر ماسک‌ها که اسباب بازی نبود، صدام از سلاح‌های شیمیایی علیه ایرانی‌ها استفاده کرده بود. اسامه برای صدام آماده می‌شد.

مزرعه دیگر به یک پایگاه نظامی تبدیل شده بود و اسامه هر روز بیشتر از دیروز متقاعد می‌شد که ارتش عراق برای حمله به عربستان سعودی از مرز کویت عبور خواهد کرد. او به خانواده سلطنتی سعودی نزدیک شد و با وزیر کشورش، شاهزاده نایف بن عبدالعزیز آل سعود، که برادر پادشاه سعودی بود، تماس برقرار کرد. اسامه ترتیبی داد تا به بیش از ۱۰۰ مجاهد سازمانش ویزای سعودی داده شود تا آن‌ها در مزرعه جنوب جده مقیم شوند. او همچنین داوطلب شد که ۱۲ هزار

گرفت او را به یکی از مزارع متعلق به برادرش ببرد.» در گفت‌وگو با من، صدای عمر تنها زمانی می‌لرزید که به حیوانات خانگی دوران کودکی‌اش فکر می‌کرد. او می‌گوید: «اما بچه شتر موردحمله شترهای دیگر قرار گرفت... ما هرگز از نتیجه این داستان غم‌انگیز باخبر نشدیم. اما بدبختی آن چوچه‌گگ مرا آزار می‌داد.»

او خاطره دومش را اولین و آخرین لحظه جادویی زندگی‌اش توصیف می‌کند. وقتی اذان ظهر در محوطه خانه بن لادن به صدا درمی‌آمد، عمر هیجان‌زده می‌شد زیرا می‌توانست لحظه‌ای نزدیک پدرش باشد. او می‌گوید یک روز «توانستم صدنل‌هایم را ببوشم. پایم از ماسه‌های داغ تاول زد و کف لخت پایم می‌سوخت. شروع به بالاپایین پریدن کردم. از درد می‌گریستم.» او می‌گوید که در همان زمان اسامه با بوی مشکینش برای اولین و آخرین بار او را در آغوش گرفت. عمر می‌گوید: «دهانم از تعجب خشک شده بود.» او هر تعامل دیگرش با پدرش را مانند صحبت با سراب توصیف می‌کند.

ماه اگست ۱۹۹۰ ارتش عراق تحت رهبری صدام حسین به کویت حمله کرد. عمر می‌گوید: «برای اولین بار مفهوم جنگ را درک کردم؛ این که جنگ می‌تواند برای هر ملتی رخ دهد.» پدرش متقاعد شده بود که صدام تلاش خواهد کرد میادین نفتی عربستان سعودی را تصرف کند. عمر می‌گوید: «این نیز یکی از آن لحظاتی بود که من موضع پدرم را فهمیدم. او به‌عنوان قهرمان جنگ به قدری محترم بود که اقداماتش را زیرسوال نمی‌بردند.» اسامه در

برای پسران خانواده بن لادن «لکچر» داده می‌شد که «به زندگی باید به‌عنوان مسئولیت نگاه کرد. زندگی باید دشوار باشد. زندگی دشوار آدم را قوی‌تر می‌کند.» پدرشان اغلب آن‌ها را لت‌وکوب می‌کرد؛ گاهی اوقات فقط برای این که لبخند گشاده زده بودند. عمر حاضر نیست درباره این مسأله صحبت کند.



را اشتباه نکرد. اکنون می‌توانم اعتراف کنم که هرچه پیرتر شدم از درون ناامیدتر شدم. به دلایلی عجیبی می‌خواستم پدرم یک کلمه را اشتباه کند.»

کودکی عمر به‌دلیل خودداری پدرش از پذیرش مدرنیته و تهدیدهای امنیتی رویه‌افزایش علیه خانواده بن لادن، دوره ضیقی بود. او می‌گوید: «ما را مثل زندانی در خانه نگه می‌داشتند. اجازه نداشتیم بیرون از خانه حتا در باغ خودمان، بازی کنیم... من و برادرانم ساعت‌های طولانی را به تماشای بیرون از پشت پنجره آپارتمان سپری می‌کردیم و آرزو می‌کردیم بتوانیم با بچه‌هایی که سرگرم بایسکل‌سواری بودند، باشیم.»

پدرشان روشن کرده بود که انتظار دارد پسرانش به قوانین سخت‌گیرانه پدر پایبند باشند. و مثل هر کودک دیگری، فرزندان اسامه در هر فرصتی که پیدا می‌شد، قیام می‌کردند. عمر می‌گوید: «پدر ما را از نوشیدن نوشیدنی‌های گازدار که از آمریکا می‌آمد منع کرد.» پسرها عاشق نوشیدن پیپسی بودند. «آخ که چقدر آیین میوه ممنوعه را دوست داشتیم!»

اندازه نقاشی‌های عمر تقریباً به اندازه پنجره‌های آپارتمان دوران کودکی‌اش است. او با نشان دادن تصویری از دو کودک رو به غروب خورشید، می‌گوید این «عشق کودکانه»‌اش است.

عمر و برادرانش نسبت به تحصیلات و شیوه زندگی‌شان معترض بودند. آن‌ها از پدرشان شاکی بودند زیرا پسران کاکاهاشان در بهترین مدارس جهان تحصیل می‌کردند. اما برای پسران خانواده بن لادن «لکچر» داده می‌شد که «به زندگی باید به‌عنوان مسئولیت نگاه کرد. زندگی باید دشوار باشد. زندگی دشوار آدم را قوی‌تر می‌کند.» پدرشان اغلب آن‌ها را لت‌وکوب می‌کرد؛ گاهی اوقات فقط برای این که لبخند گشاده زده بودند. عمر حاضر نیست درباره این مسأله صحبت کند.

تنها جایی که عمر آزادی را تجربه می‌کرد مزرعه خانوادگی‌اش در جنوب شهر جده بود؛ جایی که اسامه محوطه‌ای بزرگ به رنگ هلو بنا کرده بود. ورود اسباب بازی به مزرعه ممنوع بود. در عوض به بچه‌ها بز و غزال می‌دادند که ساعت‌تیری کنند.

ساختمان موردعلاقه عمر و پدرش در مزرعه، اصطیل بود. اسب موردعلاقه عمر، منبع بزرگ آرامش او، یک مادیان سفید عربی به نام بیضا بود. او اسبش را خوب به خاطر دارد: «قدش حدود ۱۴ بلست بود. فکر می‌کردم ملکه است، با آن قامت قوی و غرورآمیزش. بیضا نیز مرا دوست داشت.»

عمر از دوره کودکی‌اش دو لحظه را فراموش نمی‌کند. اولین مورد زمانی بود که پدرش یک بچه شتر را هدیه گرفت. گرچه پسران اسامه هنگام رسیدن بچه شتر از هیجان بال درآورده بودند اما خیلی زود فهمیدند که شتر برای جدانشدن از مادرش بیش‌ازحد جوان است. او می‌گوید: «بیچاره‌گگ چنان تنها بود و چنان رقت‌انگیز می‌گریست که پدرم تصمیم

عمر بن اسامه بن محمد بن عوض بن لادن، چهارمین پسر اسامه بن لادن بنیان‌گذار القاعده، در آپارتمان‌ش در ساحل «ترماندی» فرانسه «ترانه‌ی آخرین گاوچران» را در یوتیوب گوش می‌دهد. او رنگ‌ها را روی پالت چوبی‌اش هم می‌زند و از «پیپ هانتر» آلمانی عتیقه‌اش کام تنباکو می‌گیرد. بر روی بوم نقاشی‌اش منظره‌ی نیمه‌شب جنوب آمریکا در حال کامل شدن است. شعله‌های آتشی که پنج گاوچران دورش نشسته‌اند، به عمر کمک باقی منظره جدا کند. عمر توضیح می‌دهد که معنی این نقاشی «آزادی» است.

این مرد ۴۰ ساله‌ی تنها و منزوی یک سال پیش تصمیم گرفت در خانه‌اش نقاشی بیاموزد و زندگی را از نگاه یک هنرمند مجسم کند.

نقاشی دیگری که از منظر یک گاوچران اسب سوار کشیده شده است، دشت‌های صخره‌ای و براق یک منظره متروک امریکایی را به شیوه بدوی‌گرایانه با ضرب قلم موهای پهن و رنگ‌های براق نشان می‌دهد. او می‌گوید: «به گاوچران‌ها احترام دارم. عاشق شرفشان هستم. وقتی افسرده می‌شوم، فیلم Unforgiven را تماشا می‌کنم. عاشق کلینت ایستوود هستم.»

عمر از اختلال دوقطبی شدید رنج می‌برد. او می‌گوید که در تاریک‌ترین لحظاتش صدای پدرش را می‌شنود.

عمر در عکس‌هایش، سوار بر اسب با کج کلاه کابویی بر موهای مجعد بلندش که تا شانه می‌رسد، با اعتماد به نفس یک قهرمان ظاهر می‌شود. او می‌گوید برای نقاشی‌هایش از «آرامشی که وقتی سوار اسب می‌شوم حس می‌کنم، از لحظاتی که کنار رودخانه می‌نشینم و جریان آب را تماشا می‌کنم» الهام می‌گیرد.

عمر برای درک خود و زندگی‌اش به بوم نقاشی نگاه می‌کند اما در عوض با گذشته‌ی غامض خودش روبه‌رو می‌شود. او می‌گوید: «وقتی هفت ساله بودم، پس از ساعت‌تیری با اسب‌های پدرم در صحرا، به خانه می‌رفتم و تصویر اسب‌ها را نقاشی می‌کردم. تنها لحظه خوشی که به یاد می‌آورم زمانی است که نقاشی‌هایم برای تزئین دیوار مکتب انتخاب شد. یادم می‌آید که یکی از آن‌ها نقاشی جاده‌ای بود که از وسط بیابان کشیده شده بود و دسته‌ای شترمرغ و سه اسب را در حال پرش از روی موانع روی جاده نشان می‌داد.»

عمر در همین سن و سال بود که وارد دم و دستگاه پدرش شد و قرار شد که به‌عنوان جانشین وی آماده شود. او از «آثار» هنری‌اش که در مکتبش در جده‌ی عربستان سعودی به نمایش گذاشته شده بود یاد می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه پدرم هرگز اهل این کارها نبود... شما که می‌دانید او چه نوع مردی بود.» صبح روز تولد عمر، اسامه بن لادن کلیدهای مرسدس طلایی‌رنگ جدید خودش را گم کرده بود. او تازه این موتر را خریداری کرده بود و تمام بعدازظهر دیروز را سرگرم آزمایش سواری جدیدش بود. عمر پدرش را در حالی تصور می‌کند که سوار بر «کالسکه طلایی»‌اش در بلوارهای جده در حال شتاب‌گرفتن به سمت زایشگاه است.

حین تماس‌های ویدیویی، شانه‌های پهن عمر شخصیت خجالتی او را تعدیل می‌کند. او هنگام صحبت اندیشناک به‌نظر می‌رسد. در چت روم جمعات خودش را با ایموجی نقطه‌گذاری می‌کند، طنزی تلخی دارد و صحبت از پدرش برایش دردآور است.

رابطه خود اسامه بن لادن با مسئولیتی به‌نام پدربودن پیچیده بود. پدر و مادرش جدا شده بودند و عمر می‌گوید که او «احساس فقدان می‌کرد، احساس پستی جایگاه می‌کرد، از کمبود محبت و مراقبت پدرانه رنج می‌برد. می‌دانم پدرم چه احساسی داشت. من یکی از ۲۰ فرزندش هستم. من هم اغلب عین بی‌توجهی پدرانه را احساس کرده‌ام.»

وقتی اسامه ۱۰ ساله بود پدرش در یک سانحه هوایی جان داد. اسامه درحالی‌که در سوگ پدر نشسته بود، حافظ قرآن شد. عمر در سال‌های بعد تلاوت پدرش را به دقت و خاموشانه گوش می‌کرد. او می‌گوید: «پدرم هرگز حتا یک کلمه

پایان دادن به جنگ نیابتی پنهانی پاکستان در افغانستان عنوان یک کار پژوهشی است که به تازگی توسط کریس الکساندر انجام و از سوی موسسه مکدونالد لوریبر در کانادا به نشر رسیده است. این کار پژوهشی سازماندهی جنگ نیابتی آی‌اس‌ای (سازمان استخباراتی پاکستان) در افغانستان را با جزئیات بررسی کرده و نتیجه‌گیری می‌کند که برای آوردن صلح به افغانستان باید به پاکستان فشار وارد شود.

مقدمه

بسیاری از ناظران در سراسر جهان افغانستان را «یک جنگ بی‌پایان» می‌دانند. پس از دو دهه درگیری سنگین توسط سازمان ملل، ناتو و ایالات متحده در کنار حداقل ۷۵ کشور تمویل‌کننده یا فرستنده نیرو، از جمله کانادا، یک روند صلح متزلزل تحت فشار انفجارهای روزمره، ترورهای وحشیانه و افزایش خشونت جریان دارد. حمایت سراسری از توانمندسازی زنان و دختران به‌عنوان روزنامه‌نگار و قانونگذار، کارآفرین و افسر پولیس در حال تهدید است. افغانستان و شرکای آن از سال ۲۰۰۱ سعی در اجرای سیاست‌های پی‌دپی ضد تروریسم، ضد شورش و آشتی داشته‌اند: هیچ یک در پایان دادن به حملات طالبان و متحدان تروریستی آن‌ها موفق نبوده‌اند. به‌نظر می‌رسد این درگیری محکوم به ادامه باشد و افغان‌ها قربانیان اصلی جنگی هستند که از سال ۱۹۸۷ تاکنون بدون وقفه ادامه داشته است.

هنگامی که تهدید طالبان در ۲۰۰۵-۲۰۰۶ احیا شد، افغانستان به اولین میدان نبرد در تاریخ ناتو تبدیل شد که نیروهای زمینی ناتو در عملیات‌های جنگی در سطح گردان‌ها شرکت می‌کردند.

با این حال، جنگ برای نجات کشور از استبداد طالبان هرگز متوقف نشد. پس از موفقیت‌های اولیه نظامی توسط ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده در ۲۰۰۱-۲۰۰۲، تروریسم در سال ۲۰۰۳ اوج گرفت و طالبان حملات مرسوم گسترده را در ۲۰۰۵-۲۰۰۶ از سر گرفت. خشونت به یک دلیل از سر گرفته شد:

از زمان سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، پاکستان در حال برنامه‌ریزی و اجرای یک جنگ نیابتی مخفیانه علیه دولت جدید افغانستان و شرکای بین‌المللی آن است. حمایت نظامی و غیرنظامی پاکستان از گروه‌های مسلح اسلامی در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، در اواسط دهه ۱۹۷۰ افزایش یافت و از آن زمان تاکنون ثابت مانده است.

این مقاله بررسی می‌کند که چرا پاکستان از سال ۲۰۰۱ جنگ نیابتی پنهانی خود را در افغانستان به‌راه انداخته و در مورد آنچه برای پایان دادن به آن می‌توان انجام داد بحث می‌کند.

تلاش مشترک برای احیای افغانستان

زمانی نه چندان دور بود که همه نگاه‌ها به افغانستان دوخته شده بود. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، عوامل القاعده کشته‌ترین حمله را از زمان جنگ ۱۸۱۲ به سرزمین اصلی آمریکا انجام دادند. آن‌ها این حمله را از افغانستان، جایی‌که تحت حمایت طالبان از پناهگاه امن برخوردار شده بودند، برنامه‌ریزی کردند. کمتر از یک ماه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، نیروی هوایی ایالات متحده شروع به بمباران اهداف القاعده و طالبان در افغانستان کرد. ده روز بعد، سیا و نیروهای ویژه روی زمین این کشور بودند. درست دو ماه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، در ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱، کابل به دست نیروهای مخالف افتاد. به نظر می‌رسید طالبان و متحدان تروریستی آن به زباله دان تاریخ منتقل شده‌اند.

این فرصتی بود برای بازسازی کشوری که ربع یک قرن با جنگ خو گرفته بود.

شرایط غم‌انگیز بود: حملات ۱۱ سپتامبر منجر به کشته شدن سه هزار نفر شد. اما افغانستان - تقریباً با توجه به هر شاخص، یکی از فقیرترین و کم توسعه یافته‌ترین کشورهای جهان - در حال حاضر یک بهره‌مند مستحق از اقدامات هماهنگ بین‌المللی بود. از این گذشته، در دهه ۱۹۸۰ میدان جنگی بود که ارتش سرخ را به عقب نشینی، تغذیه و تقویت تفکر جدیدی که منجر به سقوط دیوار برلین در ۱۹۸۹ و انحلال پیمان ورشو و اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ بود، وادار کرده بود.

افغانستان پسا ۲۰۰۱ که در ۲۵ سال جنگ ویران شده بود، هم‌زمان یک آغاز و یک تعهد بود. جامعه‌ای بسته، بسیار سرکوب شده و منزوی تحت سلطه طالبان، اکنون در دسترس جهانیان بود. جامعه جهانی این فرصت را داشت که با مردم افغانستان همکاری کند تا خسارات ناشی از جهاد طولانی مدت علیه شوروی را که با جنگ داخلی پنج ساله و شش سال سرکوب از سوی طالبان بدتر شده بود، جبران کند. افغانستان مانند کوریا و ویتنام، قربانی رقابت‌های جنگ سرد شده بود. برای جوامع آزاد و دموکراتیک، گشایش سال ۲۰۰۱ فرصتی برای بازپرداخت افتخاری بدهی به افغان‌هایی که بیش از یک دهه درگیر جنگ بودند تا جنایت توتالیتار شوروی را خنثا کنند، بود.

اصرار بر صلح دایمی در هیچ جایی بیشتر و اصولی‌تر از بین زنان و دختران افغانستان نبود. آن‌ها صدای خود را در ایستگاه‌های رادیویی و شوراها محلی یافتند، به عضویت ولسی جرگه جدید درآمدند، و به‌عنوان افسر و پاسبان در پولیس ملی ثبت نام کردند.

زنان به سرعت در میان موثرترین رهبران جدید افغانستان ظاهر شدند. مسعوده جلال در سال ۲۰۰۴ کاندیدای ریاست جمهوری بود. دکتر سیما سمر، معاون سابق رییس لویه جرگه اضطراری در سال ۲۰۰۱ و معاون دولت انتقالی در سال ۲۰۰۲، به مدت ۱۶ سال به‌عنوان رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان خدمت کرد، جایی‌که زن دیگری به نام شهرزاد اکبر جانشین او شد. در بسیاری از بخش‌های اقتصاد در حال احیا، نسل جدیدی از زنان کارآفرین شروع به شکوفایی کرد.

پس از سال ۲۰۰۱، افغانستان بیش از یک دهه شاهد یکی از بزرگترین اقدامات همکاری پایدار بین‌المللی از زمان جنگ جهانی دوم بوده است. بیش از یک سوم کشورهای مستقل جهان بودجه تعهد کردند. کل خانواده سازمان ملل - بیش از ۳۰ سازمان، بودجه و برنامه - برای هدایت کار ماین روبی، استقبال از عودت‌کنندگان، ایمن‌سازی کودکان و حمایت از اصلاحات قانون اساسی و انتخابات مستقر شدند.

بیش از ۵۰ کشور با آرای قریب به اتفاق شورای امنیت سازمان ملل متحد و حمایت ناتو، نیروهای خود را به افغانستان اعزام کردند تا یک محیط امن برای آنها ایجاد کنند و یک دولت جدید را در این کشور مستقر کنند. این هرگز اشغال یا تهاجم نه، بلکه تمرینی برای بازگرداندن حقانیت نهادهای افغانستان بود که مورد حمایت حاکمیت مشروع، موافقت دموکراتیک و قوانین بین‌المللی بود. همه جهان خواستار موفقیت افغانستان بودند. افغان‌ها بی‌تاب بودند که برای اولین‌بار در یک نسل، از صلح برخوردار شوند. در کنفرانس‌های متعدد که معمولاً تحت نظارت سازمان ملل بودند، همسایگان و شرکای افغانستان به‌طور مکرر و به اتفاق آرا حمایت خود از صلح در افغانستان را متعهد شدند.

جنگ نیابتی پنهانی پاکستان

با توجه به چنین پشتیبانی گسترده و همه جانبه، چشم انداز افغانستان به جز یک عامل خارجی که پاکستان باشد، بسیار عالی بود. در اواخر سال ۲۰۰۱ هزاران نفر از اعضای

پایان دادن به جنگ نیابتی پاکستان در افغان



جنگ نیابتی پنهانی پاکستان به اهداف (۱) مقابله با نفوذ هند، (۲) سرکوب ملی‌گرایی پشتون و بلوچ، (۳) جلوگیری از قدرتمند شدن افغانستان و (۴) پی‌گیری یک برنامه استعمار نو در آسیای میانه در افغانستان جریان دارد. از آغاز آموزه‌های «عمق استراتژیک» تا امروز برای توجیه یک جنگ نیابتی بی‌پایان استفاده شده است، جایی‌که ارتش منظم و اعضای اطلاعات پاکستان به‌طور فزاینده‌ای در کنار طالبان و سایر شبه‌نظامیان خدمت می‌کنند.

بر راه اندازی یک بمب‌گذاری انتحاری در افغانستان نظارت می‌کند که منجر به بیش از یک هزار حمله و حدود پنج هزار کشته شده است. بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ تن از اعضای نیروی ائتلاف، آیساف، ناتو و اعضای حمایت قاطع ناتو در افغانستان جان خود را از دست داده‌اند که دو سوم آن‌ها شهروندان ایالات متحده هستند. بسیاری دیگر از همه گروه‌ها زخمی شده‌اند.

رهبران پاکستان در سال‌های اخیر تقریباً هیچ تظاهری به انکار دخالت خود در این جنگ نیابتی نکرده‌اند. جنرال کیانی از شبکه حقانی به‌عنوان «دارایی استراتژیک» یاد کرده است. با این وجود رهبران نظامی پاکستان هیچ هزینه مستقیمی برای این جنگ نیابتی مخفیانه متحمل نشده‌اند.

تصفیه حساب خشن

در سال ۱۹۴۷ افغانستان تنها کشوری بود که با عضویت پاکستان در سازمان ملل مخالفت کرد و باعث افزایش تنش در مرزهای پاکستان و افغانستان شد. دولت افغانستان در لویه جرگه ۱۹۴۹ به اصرار اعلام کرد که «نه دیورند و نه هیچ خط مشابه» را به‌عنوان مرز بین‌المللی بین دو کشو به رسمیت نمی‌شناسد و تمام توافق‌نامه‌های قبلی در مورد تعیین مرزها را باطل اعلام کرد. همچنان اقلیت پر سر و صدایی در افغانستان از ایده‌ی پشتونستان حمایت کرد و چندین قیام علیه دولت پاکستان را در مرزهای شمال‌غربی این کشور آغاز کرد. پاکستان برای مقابله با این چالش ملی‌گرایانه، از اواسط دهه ۱۹۶۰ شروع به استخدام و آموزش اسلام‌گرایان افغان کرد.

افغانها در پاکستان و متحدان اصلی سیاسی آن‌ها در افغانستان با تجزیه هند و ایجاد پاکستان مخالفت کردند، در حالی‌که نسخه‌ای از قطعنامه ۱۹۴۷ بانو و گهگاهی از تجزیه طالبان بلوچ حمایت می‌کردند. در پاسخ، مقامات پاکستانی ضمن حمایت از اسلام‌گرایان در افغانستان، جنبش‌های ملی‌گرای پشتون را در داخل کشور سرکوب کردند. در نتیجه، هرگز یک دوره طولانی صلح در طول مرز افغانستان و پاکستان وجود نداشته است.

جنگ نیابتی پنهانی پاکستان به اهداف (۱) مقابله با نفوذ هند، (۲) سرکوب ملی‌گرایی پشتون و بلوچ، (۳) جلوگیری از قدرتمند شدن افغانستان و (۴) پی‌گیری یک برنامه استعمار نو در آسیای میانه در افغانستان جریان دارد. از آغاز آموزه‌های «عمق استراتژیک» تا امروز برای توجیه

۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ دنبال شد. اگرچه بسیاری از اعضای شورای کویته و شبکه حقانی پس از سال ۲۰۰۱ در لیست تحریم‌های سازمان ملل و القاعده قرار گرفتند، اما آن‌ها با مصنویت از مجازات در سراسر پاکستان به کار خود ادامه دادند. دارایی‌های آن‌ها هرگز مسدود نشد. دسترسی آن‌ها به اسلحه، بودجه و مهمات هرگز قطع نمی‌شود. برعکس، خانواده‌های شان در آسایش نسبی زندگی می‌کردند در حالی‌که آی‌اس‌آی از روزنامه‌نگاران، بازرسان و سایر مقامات جلوگیری می‌کردند تا به محل اقامت آنان در پاکستان اشاره کنند. هنگامی‌که طالبان با پشتیبانی همه جانبه ارتش پاکستان عملیات تهاجمی تمام عیار خود با تهدید به غلبه بر دولت افغانستان و تصرف مراکز ولایات افغانستان را سازماندهی می‌کردند، رهبران سیاسی و نظامی پاکستان بالا و پایین به دروغ سوگند یاد می‌کردند که هیچ رهبر طالبان هرگز پا به کشور شان نگذاشته است.

این دروغ‌ها با سیاست جنگ نیابتی پاکستان کاملاً سازگار بوده است: نیروهای امنیتی پاکستان هرگز به دنبال کاهش توانایی طالبان برای حمله به افغانستان نبوده‌اند. برعکس، از دور دوم نخست وزیری بی‌نظیر بوتو، هنگام تشکیل طالبان، تا دوره اول نواز شریف، دوران کودتای مشرف، دولت‌های اخیر آصف‌علی زرداری، دوره دوم نواز شریف و اکنون عمران خان، طالبان و متحدان آن‌ها از پشتیبانی بی‌وقفه ارتش پاکستان برخوردار شده‌اند.

بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۲۰، پاکستان جنگ نیابتی پنهانی خود را از سر گرفت. این کارزار نظامی توسط ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان با حمایت بارون‌های مواد مخدر و تمویل‌کنندگان خلیج فارس حمایت شد و منجر به کشته شدن بیش از ۴۰ هزار غیرنظامی شد. تعداد شبه‌نظامیان طالبان که در این مدت کشته شده، ۷۰ هزار تن بوده است. از سال ۲۰۰۶، دست کم یک‌هزار پولیس ملی یا ارتش ملی افغانستان هر ساله در جنگ کشته می‌شوند. در بعضی از سال‌ها، دو هزار یا بیشتر کشته شده‌اند. آی‌اس‌آی

القاعده و واحدهای جنگی طالبان بدون سر و صدا اما با پشتیبانی لجستیکی آی‌اس‌آی پاکستان، از مرز افغانستان به بلوچستان سرازیر شدند. آن‌ها در افغانستان با بیماران شدید هوایی ایالات متحده روبرو بودند اما هنگامی‌که وارد پاکستان شدند، می‌دانستند که در امنیت خواهند بود.

طالبان به سرعت در اردوگاه‌های آموزشی اداره شده توسط جیش محمد یا لشکر طیبه، با پوشش تروریستی مورد حمایت آی‌اس‌آی که در کشمیر یا سایر مناطق هند فعالیت می‌کنند، درآمدند. و همچنین شبکه‌ای از بیش از ۳۰۰ مدرسه و مکتب توسط جامعه‌الدعوه که توسط بازوی سیاسی لشکر طیبه اداره می‌شود، توسط وسایط حمل و نقل پاکستانی، فرودگاه کندز را به مقصد پاکستان ترک کردند.

اسامه بن لادن تا جنوری ۲۰۰۲ از مرز تپه‌ای از تورابورا در ننگرهار افغانستان به پاکستان عبور کرده بود. عبور بن لادن اقدام یک فرد نا امید تحت تعقیب در سرزمین دشمن نبود: او کاملاً می‌دانست که پاکستان از او و پیروانش محافظت می‌کند و به آن‌ها فرصتی برای بازسازی، از سرگیری و حتی گسترش فعالیت‌های تروریستی القاعده در افغانستان، عراق و جاهای دیگر را می‌دهد.

با پشتیبانی آی‌اس‌آی، فرماندهی نظامی طالبان به سرعت تحت فرماندهی شورای کویته، شورای رهبری آن‌ها و همچنین شبکه حقانی در وزیرستان و حزب اسلامی که از منطقه پیشاور فعالیت می‌کردند، مجدداً جمع شد. طالبان از سال ۲۰۰۲ بر بازگرداندن جنگ‌جویان از افغانستان، راه اندازی مجدد ساختارهای مالی، تدارکات و آموزش و ارزیابی اهداف ایالات متحده و متحدان در افغانستان و منطقه، متمرکز بودند.

طالبان در سال ۲۰۰۳ در حال بازگشت به حمله بودند. به تاریخ ۲۷ مارچ، ریکاردو مونگویا، مهندس ۳۹ ساله تأمین آب کمیته جهانی صلیب سرخ به دستور ملا دادالله «آخوند لنگ»، فرمانده طالبان که نظامیان طالبان را در جنوب افغانستان رهبری می‌کرد، در یک جاده در ارزگان کشته شد. رشته‌های حملات علیه امدادگران از سال

افغانستان



یک جنگ نیابتی بی‌پایان استفاده شده است، جایی که ارتش منظم و اعضای اطلاعات پاکستان به‌طور فزاینده‌ای در کنار طالبان و سایر شبه‌نظامیان خدمت می‌کنند.

جنگ نیابتی پاکستان از سال ۲۰۰۱ در افغانستان هیچ مبنایی در قانون بین‌الملل ندارد و فرصت‌دادن بیشتر به این جنگ، خنثاکردن دستاوردهایی است که از زمان تأسیس مجدد نهادهای قانونی در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ صورت گرفته است. علاوه بر این، پیامدهای ادامه بی‌ثبات‌سازی پاکستان در افغانستان در مرزهای این کشور متوقف نمی‌شود.

با وجود شواهد فراوان هیچ یک از رهبران ناتو به‌طور علنی نگفته‌اند که جنگ طلب اصلی در این جنگ نیابتی، پاکستان است. فقط دو نفر به گفتن حقیقت نزدیک شده‌اند؛ سارکوزی، رئیس‌جمهور پیشین فرانسه در سال ۲۰۰۸ در کنفرانس تحت رهبری سازمان ملل در مورد افغانستان در پاریس، از پاکستان به‌عنوان پایگاه داخلی طالبان نام برد.

زردیک به یک دهه پس از سخنرانی سارکوزی، ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ در توییتی نوشت که پاکستان «چیزی جز دروغ و فریب به ما نداده است، و رهبران ما را احق تصور می‌کند. آن‌ها با کمک به تروریست‌هایی که در افغانستان انسان شکار می‌کنند، پناهگاه امنی می‌دهند. بیشتر نه!» با این وجود یک بار دیگر هیچ پیگیری صورت نگرفت.

با عدم صراحت در شناسایی صریح پاکستان به‌عنوان منبع تهدید نظامی برای افغانستان، هر کشوری که در این مأموریت‌ها شرکت می‌کند، هر عضوی از سازمان‌های بین‌المللی که آن‌ها را مجاز می‌داند، از ایالات متحده شروع می‌کند اما چرا گفتن حقیقت در مورد نقش پاکستان

بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۲۰، پاکستان جنگ نیابتی پنهانی خود را از سرگرفت. این کارزار نظامی توسط ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان با حمایت بارون‌های مواد مخدر و تمویل‌کنندگان خلیج فارس حمایت شد و منجر به کشته‌شدن بیش از ۴۰ هزار غیرنظامی شد. تعداد شبه‌نظامیان طالبان که در این مدت کشته شده، ۷۰ هزار تن بوده است.

در دامن زدن به این جنگ بسیار دشوار بوده است؟
اول، پاکستان کشوری بزرگ با روابط دو جانبه گسترده است. هیچ کشوری هنوز مایل به بروز بحران دیپلماتیک با پاکستان نبوده است.

دوم، نه سازمان ملل و نه ناتو برای پاکستان مأموریتی نداشته‌اند، که قدرت مقاومت در برابر نقش بزرگ شده هر دو سازمان را داشته باشد. با توجه به اعتماد گسترده ایالات متحده، سازمان ملل و ناتو به پاکستان برای پشتیبانی لجستیکی و سایر اشکال از فعالیت‌های اصلی آن‌ها در افغانستان، آن‌ها تمایلی برای به خطر انداختن آن ندارند.

سوم، از سال ۱۹۴۷ دیپلماسی متعارف این بوده است که برای حفظ توازن بین هند و پاکستان، به هیچ یک از آن‌ها نزدیک نشوید و با این کار، یک جنگ داغ ایجاد کنید.

مراحل خود فریبی

شرکای بین‌المللی افغانستان به‌جای این‌که بدانند پاکستان به‌طور نظام‌مند از طالبان پشتیبانی می‌کند، توضیحات دیگری را برای درگیری مداوم جستجو کرده است. موارد زیر لیست کاملی نیست:

پاکستان سلاح هسته ای دارد و کشور مهم تری است (۲۰۰۱+): این بحث موضوعیت ندارد. اکثر دموکراسی‌ها در واکنش به حمله پوتین به اوکراین اقدامات جدی انجام دادند حتی اگر روسیه بزرگترین زرادخانه هسته‌ای جهان (۴۰ برابر پاکستان) را می‌داشت، این اقدامات صورت می‌گرفت. ایران، ونزوئلا، سوریه، چین و سایر کشورها به دلیل نقض قوانین بین‌المللی استفاده از سلاح‌های شیمیایی تا نسل کشی، تحت تحریم‌های گسترده‌ای قرار دارند. جنگ پاکستان در افغانستان از سال ۲۰۰۳ تاکنون ۱۲۴ هزار نفر هزینه داشته است. همچنین سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را که ایالات متحده، سازمان ملل، ناتو و ده‌ها کشور دیگر انجام داده‌اند، به خطر انداخته است، اما تا به امروز هیچ سیاست هماهنگی به هدف پایان‌دادن به دخالت‌های پرهزینه پاکستان در افغانستان دنبال نشده است.

طالبان باید به گفت‌وگوهای بن دعوت می‌شدند (۲۰۰۳): این پشیمانی به راحتی این واقعیت را نادیده می‌گیرد که آی‌اس‌آی برای جلوگیری از پیوستن طالبان به مذاکرات در جایی که اسلام آباد کنترل عملی نداشته باشد، مصمم بود.

طالبان یک گروه شورشی هستند (۲۰۰۶): یک شورش به‌طور کلی به‌عنوان «شورش یا قیام مسلحانه مردمی علیه اقتدار» تعریف می‌شود. طالبان محبوب نیستند: آن‌ها برای کنترل مناطق روستایی به ترس و خشونت دست می‌زنند. از طریق آن‌ها پاکستان جنگ نیابتی مخفیانه و پنهانی خود را علیه ساختارهای قانونی و نسبتاً محبوب دولتی و نهادهای جامعه مدنی در افغانستان ادامه می‌دهند.

تحریم‌ها زیر کار هستند (۲۰۰۷): گروه کارشناسی که به کمیته تحریم‌های طالبان و القاعده سازمان ملل مشاوره می‌دهد مدتهاست که یک افسر آی‌اس‌آی را شامل می‌شود. این رژیم تحریم‌ها هرگز جدی نبوده است زیرا پاکستان آن را به‌طور گسترده خنثا می‌کند.

پاکستان دیگر از طالبان پشتیبانی نمی‌کند (۲۰۰۸): مقامات ارشد بسیاری از پایتخت‌ها (از جمله واشنگتن) تا سال ۲۰۰۸ و مقامات انگلیس برای مدت طولانی دیگر این ادعای غلط را مطرح کرده‌اند.

ما در یک نقطه عطف هستیم (۲۰۰۹): این ادعا که تقریباً سالانه توسط فرماندهان ائتلاف و آیساف انجام می‌شود، همیشه نقش تعیین‌کننده و نهادی آی‌اس‌آی به‌عنوان حامی مالی طالبان را نادیده می‌گیرد. این خوش بینی نادرست هنگامی فاجعه بار بود که اوپاما از سال ۲۰۰۹ و

طی چند سال با سقوط شدیدی در جنوب افغانستان روبرو شد اما هیچ گونه تلاش سیاسی جبران‌کننده برای وادار کردن پاکستان برای پایان جنگ نیابتی پنهانی در افغانستان نکرد.

دولت افغانستان فاسد است (۲۰۰۹-۲۰۱۰): ریچارد هولبروک، نماینده ویژه ایالات متحده در افغانستان و پاکستان، در اوایل دوره تصدی خود گفت که حامد کرزی، رئیس‌جمهور افغانستان فاسد است و تلاش کرد تا وی جایگزین شود. در نتیجه هولبروک برای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ به افغانستان فشار آورد. کرزی تا سال ۲۰۱۴ رئیس‌جمهور بود و خود هولبروک در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۰ درگذشت. اما این اختلاف اعتماد همه طرف‌ها را از بین برد و اختلافات عمیقی بین دولت افغانستان و شرکای بین‌المللی آن ایجاد کرد که آی‌اس‌آی سعی در بهره برداری از آن‌ها داشت.

مرگ بن لادن اسامه همه چیز را تغییر می‌دهد (۲۰۱۱): مرگ اسامه بن لادن در ۱ می ۲۰۱۱ عملاً ثابت کرد که تغییری در روابط ایالات متحده و پاکستان وجود نمی‌آید، چون الظواهری، رهبر القاعده همچنان در پاکستان آزاد است. القاعده، طالبان، شبکه حقانی و امثال آن‌ها به میل خود با پشتیبانی همه‌جانبه پاکستان در افغانستان به کار خود ادامه می‌دهند. همچنین شواهد بیشتری نشان می‌دهد که «ولایت خراسان» از دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، که در افغانستان نیز فعالیت می‌کند، یک شاخه آی‌اس‌آی است که قصد دارد توجه ایالات متحده را از شبکه‌های طالبان دور کند. تصور اشتباه مبنی بر ترغیب طالبان به قطع ارتباط با سایر گروه‌های تروریستی، این واقعیت بدیهی که همه یک ارباب دارند، را نادیده می‌گیرد.

یک صلح برای پایان‌دادن به دو قرن جنگ

پاکستان درگیر جنگ‌های نامنظم تمام عیار علیه کشور همسایه‌ای است که دو هزار ۶۷۰ کیلومتر مرز زمینی مشترک با آن دارد. دشوار است تصور شود که کشوری بدون متحمل شدن انتقاد و همچنین اعمال تمام تحریم‌های اقتصادی و انزوای دیپلماتیک از سوی جامعه جهانی، با کشور دیگری چنین رفتار کند. پاکستان فقط با یک فریب منحصر به فرد به این گلوله‌ها جا خالی داده است.

به مدت دو دهه از سال ۱۹۷۹، ایالات متحده برای بیرون راندن شوروی از افغانستان و مدیریت نتایج پس از آن، به پاکستان اعتماد کرد. نتیجه یازده سپتامبر بود. ایالات متحده باید با این واقعیت روبرو شود که مقیاس خیانت پاکستان بی‌سابقه است. با ناکامی در مقابله با این دوگانگی، ایالات متحده به‌طور جدی از ظرفیت پس از جنگ برای رهبری به‌عنوان مثال، فرماندهی حمایت از متحدان و الهام بخشیدن به مردم در سراسر جهان که آرزو دارند به دنبال رفاه بیشتر تحت حکومت دموکراتیک و حاکمیت قانون باشند، کاسته است. بازی خود تخریبی پاکستان برای نفوذ، برای منابع و اعتبار ایالات متحده هزینه دارد.

امدادگران، دیپلمات‌ها و سربازان برای ایجاد ثبات در افغانستان شجاعانه جنگیدند و تلاش کردند - تا بدون به‌چالش کشیدن فریب‌های جنرال کیانی - این کشور را ترک کنند. ما هرگز نخواهیم دانست که چه جبهه‌ای متحد از شرکای بین‌المللی، آی‌اس‌آی را مجبور به ترک برنامه‌های جنگی‌اش قبل از ۲۰۰۳ کرده بود. اما چهار دهه پس از ژنو و نزدیک به دو دهه پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکایی‌ها و دیگر جمعیت کشورهای ناتو باید بدانند که پاکستان حامی اصلی دشمنی بود که نیروهای ما در افغانستان با آن می‌جنگیدند.

ایالات متحده در دو دهه گذشته چهار اشتباه اساسی را مرتکب شده است:

نخست، پس از آنکه رییس‌جمهور جورج دبلیو بوش در ۱۱ سپتامبر گفت: «ما هیچ تمایزی بین تروریست‌های مرتکب این اقدامات شده و کسانی که آن‌ها را پناه می‌دهند، قائل نخواهیم شد»، دولت‌های بی‌در پی آمریکا نتوانستند دقیقاً این کار را انجام دهند. ایالات متحده هرگز هزینه‌های سنگینی را برای پناه دادن به القاعده و دیگر رهبران تروریست به پاکستان تحمیل نکرد.

دوم، وقتی پاکستان جنگ نیابتی پنهانی غیر متعارف خود را در افغانستان در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴ از سر گرفت، ایالات متحده مجدداً نتوانست هزینه‌هایی را تحمیل کند و ترجیح داد پاکستان را «متحد بزرگ غیر ناتو» معرفی کند.

سوم، اوج‌گیری رییس‌جمهور اوپاما در سال ۲۰۰۹ محدود بود و پشتیبانی از اقدامات برای پایان‌دادن به جنگ نیابتی پنهانی پاکستان، که باعث می‌شد ثبات در جنوب افغانستان، حتی اگر یک بار دیگر برقرار شود، به تدریج از بین رفت.

چهارم، وقتی معلوم شد که اسامه بن لادن در نزدیکی یکی از برترین آکادمی‌های نظامی پاکستان در آرامش نسبی زندگی می‌کند، دولت اوپاما مجدداً نتوانست اقدامات موثری را برای پایان‌دادن به سیاست دوگانه پاکستان انجام دهد. در نتیجه این ناکامی‌ها، افسانه‌ای کاملاً بیجا شیوع یافته است که آی‌اس‌آی را «سرویس اطلاعاتی برتر» جهان نشان می‌دهد. در حقیقت، دستاورد انحرافی آن‌ها مبارزه با یک جنگ غیرمتعارف علیه ایالات متحده بوده است، در حالی که واشنگتن را مجبور به پرداخت هزینه آن می‌کند. آن‌ها همچنین تا کنون از تحریم‌ها اجتناب کرده‌اند، بیشتر به دلیل سرمایه سیاسی ذخیره شده در لندن و واشنگتن بود که سرانجام کم کم به خطر می‌افتد.

انگیزه برای پایان‌دادن به جنگ خودکشی‌گونه‌ی آی‌اس‌آی ممکن است از پاکستانی‌های مردمی یا از یک ائتلاف متحد از احزاب اصلی مخالف باشد. همچنین ممکن است روزی از طرف خود ارتش باشد. اما اگر جبهه متحد کشورها پاکستان را برای ۲۰ سال خیانت و خشونت تحریم کند، پاکستان زودتر تغییر مسیر می‌دهد.

چنین اقدامی توسط ایالات متحده، انگلیس، کانادا، جاپان، کوریا، اتحادیه اروپا و سایر متحدان، دموکراسی‌ها و شرکای منطقه‌ای به تلاش بسیار کمتری نسبت به یوناما، آیساف یا استراتژی توسعه ملی افغانستان که از سال ۲۰۰۱ الزامی بود، نیاز دارد. با تحریم کردن حامی اصلی رژیم القاعده/طالبان، جامعه بین‌المللی می‌تواند به این جنگ نیابتی پنهانی پایان دهد و زمینه را برای یک توافق صلح تاریخی بین افغانستان و پاکستان آماده کند.

صلح در افغانستان اجتناب‌ناپذیر است. ماشین جنگی آی‌اس‌آی که طالبان به آن وابسته‌اند بیشتر شبیه یک تاجر ناپایدار است. جنگ نیابتی آی‌اس‌آی هرگز توافق گسترده مردم را نداشته است. واحد پول آن خشونت است. رهبران آن رمزهای مبهم هستند و این تهدیدها را در زمانی ارائه می‌دهد که مردم پاکستان و افغانستان بدنبال زندگی بهتر هستند. طالبان فقط یک بار یک جنبش داخلی وطنی افغان بودند؛ اکنون آن‌ها یک صادرات توخالی و دست و پا زده از راولپندی هستند. تقریباً هیچ افغان چشم‌انداز خیالی آی‌اس‌آی را از عمق استراتژیک نپذیرفته است.

ارتش پاکستان و آی‌اس‌آی یک انتخاب دارند. آن‌ها می‌توانند تصمیم بگیرند که تحریم‌های روزافزون و عمیق‌شدن انزوای دیپلماتیک را تحمل کنند که رشد را کند می‌کند و عملکرد اقتصادی پاکستان را عقب‌تر از هم‌تایان‌شان در جنوب آسیا می‌برد یا آن‌ها می‌توانند به توافق تاریخی با افغانستان بپردازند که به هر دو کشور پایه جدیدی از صلح را بدهد درحالی‌که مرز کاملاً مشخصی را برای نسل جدیدی

از خانواده‌ها و بازرگانان، دانشجویان و متخصصان، کشاورزان و پیشه‌وران، پسران و دختران باز می‌کند، هر دو کشور یکی از نقاط عطف جهان برای تجارت و رونق در دوره جدید پیشرفت اقتصادی است. وقتی سرانجام این جنگ نیابتی پنهانی پایان یابد، پاکستان اولین ذینفع آن خواهد بود. درگیری منطقه‌ای - و حل آن - دیگر فقط مربوط به افغانستان و پاکستان نیست. این موضوع در مورد اعتبار نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل و ناتو، حقوق بین‌الملل و تجدید اعتبار ایالات متحده به‌عنوان رهبر اقدامات جمعی و همچنین در مورد آینده جنگ نیابتی به‌عنوان ابزاری برای سیاست است - در زمانی که پوتین روسیه، اردوغان ترکیه، خامنه‌ای ایران و دیگران مشتاقانه دنبال تقلید از «مصنویت از مجازات آی‌اس‌آی هستند». با همکاری یکدیگر، میتوان لنگر ثبات جدیدی را برای جهان در افغانستان و پاکستان ایجاد کرد که مزایای آن برای نسل‌های بعدی احساس خواهد شد.

ده پیشنهاد کاربردی

برای ایجاد صلح در افغانستان اقدامات زیر لازم است:

- از پاکستان علناً خواسته شود که به جنگ نیابتی پنهانی پایان دهد؛
- اطمینان حاصل شود که کشورها علیه مقامات پاکستانی حامی طالبان، القاعده، شبکه حقانی و سایر گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان، تحریم‌های گسترده‌ای وضع می‌کنند و در فهرست تلفیقی سازمان ملل متحد (اشخاصی که تحت تدابیر شورای امنیت اعمال می‌شوند) تجدید نظر می‌کنند؛
- پاکستان به‌عنوان دولت حامی تروریسم در لیست قرار داده شود و به لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی اضافه شود تا به جنگ نیابتی خود در افغانستان پایان دهد؛
- گفت‌وگوهای بیشتر با طالبان در انتظار آتش‌بس بی‌قیدوشرط متوقف شود؛
- کاهش بیشتر نیروهای آمریکا یا ناتو در منطقه تا آتش‌بس بی‌قیدوشرط و پایان جنگ نیابتی پنهانی پاکستان تعلیق شود؛
- درباره «وضعیت پاکستان» در شورای امنیت سازمان ملل بحث شود تا روشن شود که پشتیبانی آی‌اس‌آی از طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است؛
- وظیفه مأموریت کمک سازمان ملل متحد در افغانستان گسترش یافته و شامل نظارت غیرنظامی و نظامی بر تهدیدات امنیتی مرزی، از جمله ورود طالبان و دیگر جنگ‌جویان از پاکستان شود؛
- مذاکرات واقعی صلح بین کابل و اسلام آباد در مورد عدم مداخله، پایان‌دادن به حمایت از نماینده‌های مسلح و تعیین مرز، تعیین حدود و به رسمیت شناختن کامل مرز مشترک بین دو کشور تشکیل شود؛
- اصل «تشابه مثبت» با تعهدات جدید و قابل تأیید توسط پنج عضو دائمی شورای امنیت (چین، فرانسه، روسیه، انگلستان و ایالات متحده)، کشورهای عضو ناتو و شش کشور همسایه افغانستان برای پایان‌دادن به کمک به غیرقانونی گروه‌های مسلح جایگزین شود؛ و
- جنایات گذشته شناسایی و مستند شوند، قربانیان تروریسم و سایر جنایات حمایت شوند، جنگ‌جویان سابق خلع سلاح و رفع بسیج شده و در جامعه مجدداً ادغام شوند. مهمات و مواد منفجره را از بین برده شوند و افغانها در یک تلاش گسترده برای ایجاد سازش و عدالت انتقالی مشارکت داده شوند.

کریس الکساندر از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ به‌عنوان اولین سفیر مقیم کانادا در افغانستان و معاون نماینده ویژه دبیرکل در افغانستان خدمت کرده است. وی در سال ۲۰۱۱ «راه طولانی بازگشت: تلاش برای صلح افغانستان» را که برنده جایزه انجمن هوگنوت کانادا شد منتشر کرد.

مرگ جورج فلوید؛

قاضی دادگاه را به تأخیر انداخت، مأمور پولیس با اتهام جدید روبه‌رو می‌شود

با احضار شهود و مدارک وارد مرحله رسیدگی به پرونده خواهد شد. آن طور که گزارش شده حدود ۳۷۰ شاهد ممکن است به دادگاه احضار شوند.

تخمین زده می‌شود که هر ساله نزدیک به ۱۲۰۰ نفر در امریکا توسط مأموران پولیس کشته می‌شوند اما در حدود ۹۹ درصد از این موارد مأموران به هیچ جرمی متهم نمی‌شوند.

اکثر مأمورانی که هنگام انجام مأموریت کسی را به قتل می‌رسانند به ارتکاب جرم متهم نمی‌شوند چه رسد به اینکه محکومیت کیفری بیابند. دلیل این است که در این شرایط، آنها تحت حمایت قوانین جاری در امریکا قرار دارند.

با این حال، تظاهرکنندگان معترض به نحوه مرگ جورج فلوید امیدوارند که این محاکمه باعث تغییری اساسی در قوانین مربوط به قتل در جریان انجام مأموریت مأموران پولیس شود زیرا پیگیری چهار مأمور پولیس ایالت مینه‌سوتا در ارتباط با مرگ جورج فلوید یکی از موارد استثنایی پیگیری قتل افراد تحت تعقیب توسط پولیس محسوب می‌شود.

داشت. چنانچه دادگاه از فردا، سه‌شنبه، نهم حوت آغاز به کار کند، انتظار می‌رود برای سه هفته - حدود ۲۹ مارچ - مشغول روند انتخاب اعضای هیات منصفه باشد و پس از آن دادگاه



این دادگاه که قرار است در مرکز شهر مینیاپولیس - چند صد متری محل کشته شدن جورج فلوید - برگزار شود، موجب شده این شهر در ایالت مینه‌سوتا شکل امنیتی به خود بگیرد و چندین چهار راه منتهی به محل دادگاه توسط نیروهای پولیس و گارد ملی قرق شود.

دریک شووین که پس از این واقعه از نیروی پولیس اخراج شد، نخستین افسر پولیس سفیدپوست در تاریخ مینیاپولیس است که به علت کشتن یک مرد سیاه‌پوست دادگاهی می‌شود. او با اتهام قتل درجه دو - غیرعمد - روبروست و در صورت گناهکار شناخته شدن حداکثر به تحمل ۴۰ سال زندان محکوم خواهد شد.

دادستان‌ها سال گذشته ابتدا او را به قتل درجه سه که مجازات سبک‌تری دارد متهم کردند اما دادگاه در ابتدا آن را رد کرد اما اکنون دادستان‌ها با ارجاع خواسته خود به دادگاه تجدیدنظر، امیدوارند که این اتهام را دوباره به پرونده دریک شووین اضافه کنند تا بلکه شانس بیشتری در دادگاه داشته باشند.

کارشناسان حقوق هم می‌گویند دادستان‌ها برای به اثبات رساندن قتل درجه سوم در دادگاه کار راحت‌تری خواهند

اطلاعات روز: قاضی دادگاهی که قرار است به اتهامات دریک شووین رسیدگی کند آغاز محاکمه را به تأخیر انداخته است چرا که ممکن است یک اتهام جدید به این پرونده افزوده شود.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، دریک شووین همان مأمور پولیسی است که بهار سال گذشته با گذاشتن زانوی خود روی گردن جورج فلوید، موجب مرگ این مرد آفریقایی‌تبار شد. این مرگ که در برابر انتظار عمومی روی داد و انتشار ویدیوی آن موجب خشم عمومی در امریکا و سایر نقاط جهان شد، آغازگر فصل جدیدی در جنبش مدنی سیاه‌پوستان شده و نهضت «جان سیاهان مهم» را گسترش داده است.

دادگاه رسیدگی به اتهامات او قرار بود روز دوشنبه، هشتم مارچ، آغاز شود اما اکنون دست‌کم برای ۲۴ ساعت به تأخیر افتاده است چرا که ممکن است دادگاه تجدیدنظر اتهام جدیدی مبنی بر قتل درجه سه را هم به پرونده دریک شووین اضافه کند.

قرار است روز سه‌شنبه، نهم مارچ، دادگاه ابتدا با تکمیل فرآیند انتخاب اعضای هیات منصفه کار خود را آغاز کند.

نمایش کاریکاتورهای پیامبر اسلام؛

دانش آموز فرانسوی در مورد معلم کشته‌شده دروغ گفته بود

می‌داد. او به تازگی کلاسی را با موضوع آزادی بیان شروع کرده بود.

گفته می‌شود او زمانی که درباره ماجرای نشریه شارلی ابدو صحبت می‌کرده، خواسته کاریکاتور پیامبر را نشان دهد اما قبل از آن بر اساس گزارش‌ها از دانش‌آموزان مسلمان خود خواسته بوده که اگر فکر می‌کنند ممکن است تصاویر برای آنها آزاردهنده باشد، اجازه دارند کلاس را ترک کنند.

والدین چند دانش‌آموز از این معلم شکایت کرده بودند و به گزارش رسانه‌های فرانسه آقای پتی پیش از مرگ چند پیغام ناشناس تهدید دریافت کرده بود.

قتل در شهر کنفلان سنتاونورین در ۳۰ کیلومتری شمال غربی پاریس پایتخت فرانسه روی داد. ظاهراً مهاجم به سرعت از صحنه گریخته بود اما مردم با پولیس تماس گرفته بودند و پولیس با تعقیب مهاجم او را کشت.

پولیس می‌گوید از او خواسته تسلیم شود اما مهاجم تهدید کرده و پولیس به روی او آتش گشوده و او کمی بعد جان داده است.

قتل آقای پتی فرانسه را مات و میهوت کرد. به دنبال این حادثه، موجی از همبستگی در فرانسه برخاست و مراسم‌های یادبود و اعتراضات سراسری برگزار شد. ساموئل پتی معلم ۴۷ ساله تاریخ و جغرافی درس

دختری که شکایت‌های او باعث ایجاد یک کمپین آنلاین علیه آقای پتی شده بود اکنون اعتراف کرده که در کلاس نبوده است.

پدر این دختر شکایتی حقوقی از ساموئل پتی تنظیم کرده بود و همزمان یک کمپین آنلاین علیه او راه انداخت.

امیکو تابولا وکیل مدافع او به خبرگزاری فرانسه گفته است: «او دروغ گفت زیرا احساس می‌کرد از طرف همکلاسی‌هایش که از او خواسته بودند سخنگویشان باشد، گیر افتاده است.» دادستان‌ها اندکی پس از قتل معلم گفتند که «ارتباط مستقیمی» بین تحریک ناشی از کمپین آنلاین و قتل او وجود دارد.

اطلاعات روز: یک دختر دانش آموز فرانسوی به «دروغ گفتن و انتشار ادعاهای کذب» در مورد معلمی که کارتون‌های پیامبر اسلام را در کلاس درس نشان داده بود و سرانجام سر از تنش جدا شد، اعتراف کرده است. ساموئل پتی معلم فرانسوی پاییز سال جاری مدتی پس از نشان دادن کارتون‌های پیامبر اسلام به دانش‌آموزان توسط یک شهروند چینی کشته شد.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، این دختر ۱۳ ساله که نامش فاش نشده به پدرش گفته است که ساموئل پتی از دانش‌آموزان مسلمان خواسته بود که از کلاس خارج شوند درحالی‌که وی کارتون را در کلاس آزادی بیان به نمایش گذاشت.

پارلمان اروپا مصونیت کارلس پوچدمون و دو نماینده استقلال طلب کاتالونیا را لغو کرد

محرمانه انجام شد و در نتیجه هویت نمایندگان موافق و مخالف به طور رسمی مشخص نخواهد شد.

دولت اسپانیا ضمن استقبال از تصمیم پارلمان اروپا اعلام کرد که نتیجه این رای گیری نشان می‌دهد که «مشکلات کاتالونیا در اسپانیا حل می‌شود.»

کارلوس پوچدمون در ماه اکتبر سال ۲۰۱۷ پس از برگزاری همه پرسی استقلال کاتالونیا که دولت مرکزی اسپانیا آن را «غیرقانونی» خوانده بود به بلژیک گریخت. او در سال ۲۰۱۹ به همراه تونی کومین و کلارا پونساتی به عنوان نماینده پارلمان اروپا انتخاب شد.

وکلا مدافع کارلوس پوچدمون در نظر دارند تا لغو مصونیت او را در دیوان دادگستری اروپا به چالش بکشند. با این حال دولت اسپانیا احتمالاً تلاش‌های خود را برای استرداد او ادامه خواهد داد.



اطلاعات روز: پارلمان اروپا مصونیت پارلمانی کارلس پوچدمون، رییس سابق دولت محلی کاتالونیا، تونی کومین و کلارا پونساتی دو وزیر سابق کابینه وی را لغو کرد.

به گزارش یورونیوز فارسی، دادگستری اسپانیا این سه نماینده پارلمان اروپا را به دلیل برپایی و سازمان‌دهی یک همه‌پرسی «غیرقانونی» با موضوع استقلال این منطقه خودمختار در سال ۲۰۱۷ و به اتهام سوء استفاده از اموال دولتی و تحریک به اغتشاش تحت پیگرد کیفری قرار داده است. با این حال و به دلیل اقامت متهمان در بلژیک و خودداری بروکسل از استرداد آن‌ها، رسیدگی به این پرونده تاکنون میسر نشده است.

ماه گذشته کمیسیون قضایی پارلمان اروپا درخواست دولت اسپانیا را مشروع دانسته و تصمیم‌گیری درباره سرنوشت مصونیت این سه نماینده را به نمایندگان پارلمان سپرده بود.

لغو مصونیت کارلوس پوچدمون، تونی کومین و کلارا پونساتی می‌تواند مسیر را برای استرداد آنها به اسپانیا هموار کند. در رای گیری پارلمان اروپا ۴۰۰ نماینده با لغو مصونیت آنها موافقت کردند. در مقابل ۲۴۸ نماینده پارلمان اروپا با لغو مصونیت آنها مخالفت کردند و ۴۵ نفر نیز رای ممتنع دادند. این رای گیری به صورت

امریکا خواستار توقف حملات حوثی‌ها و آغاز مذاکره شد

گروه می‌گوید که پایگاه‌های نظامی عربستان سعودی در این شهرها را هدف قرار داده، اما ریاض آنها را متهم می‌کند که به مناطق غیرنظامی حمله کرده‌اند.

طبق اعلام مقامات عربستان سعودی، اغلب پهپادها و موشک‌های حوثی‌ها در آسمان رهگیری و سرنگون شده‌اند و در مجموع حملات روز یکشنبه آنها تلفات یا خساراتی نداشته است.

ند پرایس در ادامه سخنان خود تأکید کرد که ایالات متحده این حملات را «غیرقابل قبول» می‌داند و معتقد است که حوثی‌ها جان شهروندان غیرنظامی از جمله امریکایی‌های ساکن در منطقه را به خطر می‌اندازند.

دولت جو بایدن اعلام کرده است که واشینگتن دیگر از عملیات تهاجمی عربستان در یمن حمایت نمی‌کند، اما به این کشور در دفاع از خاک خود کمک خواهد کرد.

دولت بایدن همچنین گروه حوثی‌ها را از فهرست تروریستی امریکا خارج کرده است، امری که انتقاد عربستان سعودی را در پی داشته است. سخنگوی وزارت دفاع عربستان روز یکشنبه گفت که به باور مقامات سعودی، از زمانی که حوثی‌ها از این فهرست درآمده‌اند «گستاخ‌تر شده‌اند.»

او همچنین ایران را متهم کرد که برای شورشیان حوثی یمن، به‌طور قاچاقی موشک و پهپاد می‌فرستد. ایران همواره این اتهام را رد کرده است.



اطلاعات روز: یک روز پس از حملات پهپادی و موشکی شورشیان حوثی به عربستان سعودی، واشینگتن از این گروه خواست که ضمن توقف این حملات تمایل خود به انجام یک فرآیند سیاسی برای دستیابی به صلح در یمن را نشان دهد.

به گزارش رادیو فردا، ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده، روز دوشنبه ۱۸ حوت گفت، رهبران جنبش حوثی «باید تمایل خود برای ورود به یک فرآیند سیاسی را نشان دهند و تنها در آن زمان است که می‌توانیم به سمت یک توافق سیاسی که در جست‌وجوی آن هستیم، حرکت کنیم.»

نیروهای حوثی روز یکشنبه تاسیسات نفتی آرامکو در منطقه «راس تنوره» و شهرهای دمام، عسیر و جازان را هدف حملات پهپادی و موشکی خود قرار دادند. این

با لغو محکومیت لولا داسیلوا، راه برای حضور او در انتخابات ۲۰۲۲ برزیل باز شد

دست و دل‌بازانه‌ای که به اجرا گذاشت، میلیون‌ها کارگر را از فقر رهانید.

برآوردهای شرکت نظرسنجی آپیک حاکی از آن است که از میان ۱۰ کاندیدای بالقوه انتخابات سال ۲۰۲۲، او شانس رای بیشتری دارد. در این نظرسنجی ۵۰ درصد از ۲۰۰۲ نفری که با آنها مصاحبه شده گفته‌اند که «به طور حتم» یا «احتمالاً» به لولا رای می‌دهند. ۴۴ درصد آنها هم گفته‌اند که هیچ وقت به او رای نخواهند داد. اما آمار کسانی که گفته‌اند به هیچ وجه به بولسونارو رای نمی‌دهند ۵۶ درصد است.

لولا ۷۵ ساله که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ بر بزرگترین کشور امریکای لاتین حکومت می‌کرد، سال ۲۰۱۸ به رشوه‌خواری متهم شد و یک سال و نیم را در زندان گذراند تا وقتی که دیوان عالی حکم داد که او می‌تواند بدون آن که در زندان باشد درخواست تجدیدنظر بدهد. با این حال محکومیت او باعث شد که امکان حضور در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۸ را نداشته باشد.

لولا در برزیل چهره‌ای کاریزماتیک محسوب می‌شود و هنوز طرفداران بسیاری در طبقه کارگر دارد. او در دوره ریاست جمهوری خود با برنامه‌های رفاه اجتماعی

کرد که دادگاه شهر جنوبی کوریتیبیا صلاحیت محاکمه لولا به اتهام فساد را نداشته و او باید در دادگاه‌های فدرال شهر برزیلیا، پایتخت برزیل، محاکمه می‌شده است.

به دنبال اعلام این خبر بولسونارو به خبرنگاران در برزیلیا گفت که او امیدوار است مجموعه کامل قضات دیوان عالی با بررسی این تصمیم آن را لغو کنند. وی افزود که فکر نمی‌کند مردم برزیل دوست داشته باشند لولا در انتخابات سال آینده شرکت کند.

دفتر دادستانی برزیل نیز تأکید کرد که خواستار تجدیدنظر در این حکم خواهد شد.

اطلاعات روز: یکی از قضات دیوان عالی برزیل روز دوشنبه ۱۸ حوت حکم قضایی علیه لوئیس ایناسیو لولا داسیلوا، رییس‌جمهور سابق و چپ‌گرای این کشور را لغو کرد، اقدامی که به او اجازه می‌دهد تا کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده بشود.

به نقل از رادیو فردا، این تصمیم بازار پیش‌بینی درباره انتخابات سال ۲۰۲۲ را داغ کرد به طوری که بسیاری معتقدند این انتخابات با حضور لولا دا سیلوا و ژائیر بولسونارو، سیاستمدار راست‌گرای افراطی، دو قطبی خواهد شد.

قاضی ادسون فاجین با تصمیمی غافلگیرکننده اعلام

لطف‌علی سلطانی

از روز جهانی زن در افغانستان در حالی بزرگداشت می‌شود که این کشور روزهای دشواری را سپری می‌کند. قتل‌های هدفمند به‌ویژه زنان فعال و خبرنگار در ماه‌های اخیر افزایش یافته و بر فعالیت‌های اجتماعی زنان تأثیر منفی گذاشته است.

در تازه‌ترین مورد، هفته‌ی گذشته، سعدیه سادات، شهناز رووفی و مرسل حیدری، کارمندان بخش دوبله‌ی رادیو تلویزیون انعکاس که همه در نخستین سال‌های دهه‌ی سوم عمرشان قرار داشتند توسط تفنگداران ناشناس در شهر جلال‌آباد کشته شدند. پیش‌تر از آن، ملالی میوند، گوینده‌ی این تلویزیون با روش مشابهی در نزدیکی دفتر کارش کشته شده بود.

براساس آمار کمیته‌ی مصونیت خبرنگاران، در شش ماه اخیر، جامعه‌ی خبرنگاران و رسانه‌های زن در کشور ۱۸ درصد کاهش یافته است.

این نهاد حامی خبرنگاران به مناسبت روز جهانی زن آماري ارائه کرده که براساس آن، شمار مجموعی کارمندان رسانه‌ای و خبرنگاران زن در ماه اول سال ۱۳۹۹، یک‌هزار و ۶۷۸ تن بوده اما حالا این رقم به یک‌هزار و ۳۷۷ تن کاهش یافته است. این نهاد این کاهش را نگران‌کننده خوانده است.

با شروع گفت‌وگوهای بین‌الافغانی موج ترورهای فعالان مدنی و حقوق بشر، خبرنگاران به‌ویژه خبرنگاران زن، علما و کارمندان ملکی دولت نیز آغاز شد.

شهرزاد اکبر، رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر که در برنامه‌ای به مناسبت روز جهانی زن در کابل سال جاری را سال دشواری و تلخی برای زنان به‌ویژه زنانی که در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی سهم دارند، عنوان کرد. او گفت که از شروع سال میلادی جدید، شش زن افغان به‌دلیل فعالیت‌های اجتماعی‌شان به قتل رسیده‌اند. همزمان با این، کمیسیون در اعلامیه‌ای به مناسبت هشتم مارچ، خواستار حضور معنادار زنان در تمام مراحل روند صلح شده است. این کمیسیون تأکید کرده است که زنان باید در تمام مراحل پروسه صلح اعم از تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی، جریان مذاکرات و اجرای توافق‌نامه صلح حضور داشته و نگرانی‌ها، خواسته‌ها و پیشنهادهای‌شان

تجلیل از روز جهانی زن در فضای خفقان و خون



تلویزیون انعکاس که در حمله‌ی مردان مسلح در شهر جلال‌آباد کشته شد، جنرال شریلا فروغ که بر اثر انفجار ماین مقناطیسی تعبیه‌شده در موتورش در کابل کشته شد، فرشته، محافظ زندان که در شهر قندهار حین رفتن به‌سوی خانه‌اش از سوی تفنگداران ناشناس کشته شد، فرشته کوهستانی، فعال حقوق زنان که توسط تفنگداران ناشناس در کاپیسا کشته شد، فاطمه رجبی که در ولایت غزنی حین رفتن به‌سوی خانه در مسیر راه توسط طالبان نخست اسیر و سپس کشته شد و در نهایت فاطمه خلیل، کارمند کمیسیون حقوق بشر که همراه با راننده‌اش در نتیجه‌ی انفجار ماین مقناطیسی کشته شد، از زنانی هستند که این جایزه افتخاری را دریافت کرده‌اند.

گروه سفیران دوست زنان افغان به مناسبت روز جهانی زن با نشر اعلامیه‌ای از طرف‌های درگیر جنگ خواسته است که در روند صلح به‌خصوص در رهبری این پروسه فرصت حضور معنادار زنان را فراهم کنند: «برای رسیدن به یک توافق سیاسی پایدار و نیز برای بازسازی افغانستان نیاز است که زنان افغان به‌طور کامل، یکسان و معنادار در پروسه سهیم شوند.»

این گروه در اعلامیه‌اش تصریح کرده است که از حقوق اساسی زنان مثل حق تحصیل و کار که از دست‌آوردهای دو دهه‌ی گذشته است، حمایت می‌کند.

گروه سفیران دوست زنان افغان متشکل از نماینده‌های ارشد کشورهای استرالیا، دنمارک، شبکه‌ی توسعه‌ی آغا خان، کانادا، اتحادیه اروپا، هالند، ترکیه، بریتانیا و ایالات متحده‌ی امریکا است.

از روز جهانی زن در حالی بزرگداشت می‌شود که گفت‌وگوهای صلح در جریان است و هیچ اطمینانی از حفظ دست‌آوردهای ۲۰ سال گذشته که حقوق زن از مهم‌ترین بخش آن است، وجود ندارد.

گروه طالبان با آن که مدعی است دیدگاهش نسبت به زنان تغییر کرده، اما هیچ نماینده‌ای زن در هیأت طالبان حضور ندارد. این گروه بارها اعلام کرده است که به حقوق زنان احترام می‌گذارد اما در چوکات اسلام؛ اینکه این چوکات چقدر با شرایط کنونی افغانستان و جهان هم‌خوانی دارد مشخص نیست.

صلح عادلانه و پایدار که از حقوق همه افغان‌ها محافظت می‌کند، امری حیاتی است. اشاره‌ی او به حبیبه سرابی، فوزیه کوفی، فاطمه گیلانی و شریفه زرمی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت افغانستان است.

یوناما گفته که سازمان ملل متحد به حمایت‌هایش از تمام تلاش‌ها در راستای برابری جنسیتی و همه‌ی فرصت‌ها برای زنان به‌منظور رسیدن به جایگاه شایسته‌شان در مقام‌های رهبری ادامه می‌دهد.

روز ولسون، سرپرست سفارت امریکا در کابل به مناسبت روز جهانی زن گفته است که کشورش به تقویت برابری جنسیتی، سهم‌گیری زنان در اجتماع و در کل بهبود وضعیت زنان و دختران در افغانستان متعهد است.

وزارت خارجه امریکا نیز در توییتی با انتشار عکس‌هایی از هفت زن فعال که در جریان امسال در ترورهای هدفمند کشته شده‌اند، قدردانی و به آنان جایزه افتخاری زنان شجاع را اعطای کرده است.

مریم نورزاد، قابله‌ای که در حمله‌ی مسلحانه‌ی داعش بر شفاخانه صد بستر برچی کشته شد، ملالی میوند، خبرنگار

کند.

یوناما به مناسبت روز جهانی زن تأکید کرده است که زنان باید در تمام سطوح روند صلح نقش اصلی را در تصمیم‌گیری داشته باشند. اما برای این کار آن‌ها، به حمایت همه بخش‌های جامعه، دولت و جامعه جهانی نیاز دارند.

در خبرنامه‌ی یوناما به مناسبت هشتم مارچ به نقل از دبیرا لاینز، نماینده خاص سرمنشای سازمان ملل متحد برای افغانستان آمده است که روند صلح رهبران قدرتمند زن افغان را به صحنه آورده که به نمایندگی از جمهوری اسلامی افغانستان مذاکره می‌کنند. او افزوده: «توانمندسازی این زنان و گسترش مشارکت زنان، برای اطمینان از

در خبرنامه‌ی یوناما به مناسبت هشتم مارچ به نقل از دبیرا لاینز، نماینده خاص سرمنشای سازمان ملل متحد برای افغانستان آمده است که روند صلح رهبران قدرتمند زن افغان را به صحنه آورده که به نمایندگی از جمهوری اسلامی افغانستان مذاکره می‌کنند.

شنیده شود.

در اعلامیه‌ی کمیسیون حقوق بشر آمده است که زنان افغان در دو دهه‌ی اخیر با تلاش‌ها و قربانی‌های فراوان در عرصه‌های متفاوت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دستاوردهایی چشم‌گیر داشته‌اند، اما هنوز با چالش‌ها و مشکلاتی جدی مواجه‌اند و از میزان بالای آسیب‌پذیری رنج می‌برند: «یکی از گروه‌های اصلی قربانی مخاصمات مسلحانه در افغانستان، زنان‌اند و ادامه جنگ منجر به نقض حقوق بشری شهروندان، به‌ویژه زنان، شده است.»

انتظار این کمیسیون از روند صلح این است که تأمین عدالت، پاسخگویی در برابر قربانیان و رسیدگی به نیازها و حقوق آن‌ها به‌ویژه زنان، باید محور اصلی پروسه صلح باشد و نباید در نتیجه مذاکرات صلح، درخواست قربانیان برای عدالت زیر پا شود.

حمایت قاطع جامعه جهانی از زنان افغان

نماینده‌های جامعه جهانی در افغانستان به مناسبت هشتم مارچ، حمایت‌شان را از زنان افغان اعلام کرده و از طرف‌های درگیر در افغانستان خواسته که در روند صلح زنان افغان را به گونه‌ی معنادار و عملی شریک

به مناسبت روز زن:

طالبان و حقوق زنان

میترا قطب

در تازه‌ترین رویداد قتل‌های هدفمند، قربانیان این بار سه زن کارمند یک رسانه در شهر ننگرهار بودند. و چندی قبل دو قاضی زن نیز هدف حمله قرار گرفته و به قتل رسیدند. حملات بر روزنامه‌نگاران، فعالان مدنی و کارمندان دولت از زمان آغاز مذاکرات بین‌الافغانی شدیدتر و بیشتر شده است. این حملات نقض شدید قوانین جنگ، حقوق بین‌المللی بشردوستانه است که طالبان و داعش به‌عنوان بازیگران غیردولتی نیز ملزم به رعایت آن‌اند.

گذشته از نقض قوانین جنگ توسط طالبان، دوران حکمرانی طالبان تاریک‌ترین دوره از تاریخ برای زنان افغانستان بوده است. زمانی که زنان با زور تفنگ به خانه نشاندند، از حق تحصیل و کار و حتا بیرون‌رفتن از خانه بدون محرم ممنوع گردیدند. زنان افغانستان در هراس تکرار تاریخ سیاه دوره طالبان‌اند.

اکنون که گفت‌وگوهای صلح در جریان است، نقش زنان هنوز هم کم‌رنگ می‌باشد. در گروه مذاکره‌کننده طالبان هیچ زنی دیده نمی‌شود و اعضای این گروه نسبت به سوالات عدم حضور زنان در گروه‌شان سر باز زده‌اند و یا این نقد را نادیده گرفته‌اند. با وجودی که تنها چهار تن از تیم ۲۱ نفره مذاکره‌کننده از طرف افغانستان زن می‌باشند، حضور و موجودیت زنان در تیم مذاکره‌کننده دولت افغانستان نمایانگر اهمیت نقش زنان در حیات سیاسی و اجتماعی افغانستان پس طالبان در دو دهه اخیر می‌باشد. حضور زنان در تیم مذاکره‌کننده افغانستان اهمیت دارد، زیرا آنان از آدرس دولت فغلی افغانستان می‌توانند از حقوق زنان



دفاع کنند و بر موقف خویش بر حفظ دست‌آوردهای بیست سال گذشته تأکید کنند. با آن هم در شش ماه گذشته اختلاف نظرهایی در مورد موضع دو طرف در خصوص حقوق برابر زنان وجود داشت. دولت افغانستان تأکید بر حفظ قانون اساسی و نهادهای دموکراتیک دارد، که براساس آن تمام اتباع افغانستان اعم از زن و مرد دارای حقوق مساوی می‌باشند. در حالی که طالبان بر ایجاد یک امارت اسلامی که توسط شورای غیر منتخب مذهبی رهبری خواهد شد، پافشاری می‌کنند. طالبان همواره بر تفسیر افراطی از اسلام پابند‌اند. آنان نوشته‌های علمی و دینی از خود به جا گذاشته

اند که منبعی برای تفسیر پشان از دین باشد. آقای محمد محق پژوهشگر افغان در مورد رویکرد دینی طالبان می‌نویسد که طالبان گروه‌های غیر از خود، از منظر دینی را با سوءظن می‌نگرند و تصور می‌کنند که دیگران گویا کافر و بی‌دین هستند. این امر ابهام و نگرانی مهمی در بین مردم ایجاد کرده که باید روشن شود. واقعیت امر این است که طالبان به حقوق برابر زنان و مردان باور ندارند، زیرا قسمت مهمی از قرائت دینی طالبان ریشه در تعبیری از شریعت اسلامی دارد که در جریان چند قرن پس از صدر اسلام، از جانب فقهای مسلمان به پختگی رسیده است. نابرابری حقوق

تحلیل

و آزادی‌های زنان و مردان در این تعبیر از شریعت به وضوح قابل مشاهده است. طالبان و در سال‌های اخیر در مصاحبه‌های خود، خود را پابند به تأمین حقوق زنان در چارچوب شریعت اسلامی می‌دانند و هرگونه حق و آزادی را که مخالف تعبیر آن‌ها از شریعت باشد قبول ندارند. مطابق تعریف طالبان از شریعت، زنان و مردان از جایگاه متفاوتی در جامعه برخوردارند. نه تنها زنان و مردان، بلکه بسیاری از اقشار جامعه را مساوی نمی‌پندارند. بنابراین، طالبان به عدم تبعیض میان زن و مرد، حق برابری، حیات و کرامت انسانی به عنوان اصول جهانی حقوق بشر موافق نیستند. این را طالبان در پنج سال حکومت خود عملاً نشان دادند. امروز نیز طالبان مکاتب دختران را در ساحات تحت کنترل خود آتش می‌زنند و دختران را از حق تحصیل محروم می‌کنند.

سوال این‌جاست که با گروهی که تناقض روشنی بر تفسیرشان از دین وجود دارد و هیچ عقیده‌ای به عدم تبعیض میان زنان و مردان، برابری و کرامت انسانی ندارند، چگونه می‌توان به صلح عادلانه در افغانستان دست یافت؟ آیا زنان دوباره رسماً به عنوان شهروندان پایین مرتبه به زور شلاق به خانه نشاندند خواهند شد؟ اگر قرار باشد با چنین گروهی صلح شود که سال‌ها تجربه نشان داده است به هیچ اصل حقوق بشری، دینی و موازین بین‌المللی پابند نیستند، هیچ تضمینی وجود ندارد که طالبان با به قدرت آمدن، دوباره همان قوانین بدوی و وحشی خویش را بر مردم افغانستان، به‌خصوص بر زنان تحمیل نمایند.



عبدالقادر شریفی زاده

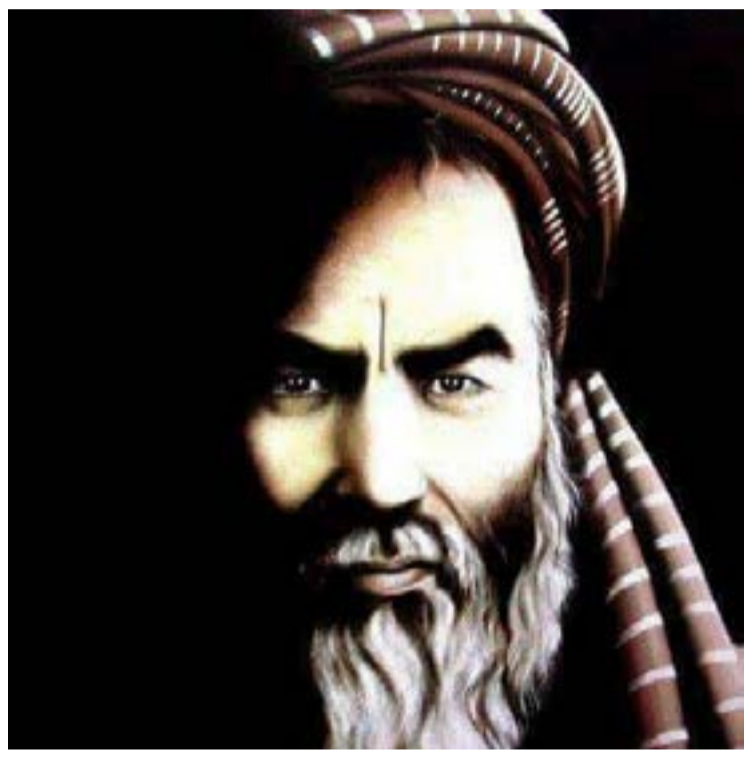
از سالیاد ترور شهید وحدت ملی عبدالعلی مزاری در حالی تجلیل می‌شود که مفاهیم بنیادین و راهبردی مبارزات مزاری در معرض خطر است؛ وحدت ملی تأمین نیست، عدالت اجتماعی حداقلی مراعات نمی‌گردد و هزاره‌بودن هنوز هم جرم پنداشته می‌شود.

در ۱۴ حوت سال جاری، از سالیاد ترور شهید وحدت ملی، عبدالعلی مزاری در تالار لوی جرگه تجلیل شد. سخنران‌های مجلس هریک در وصف او و اهداف کلیدی مزاری سخن گفتند. به‌رغم چالش‌های امنیتی، کاربزمای مزاری مردم را در این گردهمایی جمع کرد. اما نه به اندازه‌ی سال‌های قبل. واقعیت این است که هنوز کاربزمای مزاری زنده است و تجمعات کم یا بیش ارتباط مستقیم با شخصیت صادق و روراست او با مردم دارد. اما سوال اساسی این‌جاست که آیا تجلیل از مزاری، برای زنده‌نگهداشتن اهداف اوست یا چیزی دیگری؟ مزاری را آن‌گونه که بود روایت می‌کنیم یا با ضعف‌های خویش در پشت کاربزمای مزاری پنهان می‌شویم؟ در این نوشته به فقدان مزاری و روایت‌های بعد از مزاری خواهیم پرداخت.

محور اول: مزاری پیونددهنده دو نسل

مزاری خطوط اساسی را ترسیم کرد که نسل دیروز را با امروز وصل می‌کند. تبحر او در شناخت وضعیت و شناخت شکاف‌های موجود در جامعه و ساختار جامعه، نسل دیروز در حال جنگ را حول محور وحدت جمع کرد. پس از مزاری شاهد تحولات زیادی بوده‌ایم؛ با وجود همه‌ی تحولات و چرخش‌های زمانی که ایجاد شده است، مزاری برای نسل امروز نه‌تنها تازگی دارد بلکه اولویت‌های اساسی عصر امروز نیز تلقی می‌شود. خطوط مبارزاتی او نسل دیروز که زیر پرچم وحدت مزاری تجمع کرده بود را با نسل امروز وصل می‌کند. حقانیت مبارزات او برای برابری و مشارکت همگانی در همه ساختارها، دل‌گرمی نسل امروز نیز هست. «عدالت اجتماعی برای همه»، دو نسل را به هم پیوند می‌دهد. اما تفاوت‌هایی نیز وجود

عصر فقدان مزاری



اما پس از مزاری مهم‌ترین کلیدواژه‌ی افکارش که «وحدت» باشد رو به شکست گراییده است. چندپارچگی در درون جامعه‌ی هزاره و سطح رهبری هزاره‌ها قابل مشاهده است. یکی از بحران‌های دامن‌گیر جامعه هزاره بحران وحدت و انسجام است. در درون جامعه هزاره جزیره‌های قدرت محلی شکل گرفته است.

یکی از بحران‌های دامن‌گیر جامعه هزاره بحران وحدت و انسجام است. در درون جامعه هزاره جزیره‌های قدرت محلی شکل گرفته است. این جزیره‌های قدرت خواسته و ناخواسته به تضعیف محوریت واحد انجامیده است.

از سالیاد ترور او به‌عنوان پاسداری از آرمان‌های شهید وحدت ملی تجلیل می‌شود اما در عمل افکارش به فراموشی سپرده شده است. دقیقاً در

درد که مجال گشایش آن میسر نیست.

محور دوم: فقدان اندیشه‌های مزاری در عمل

درست است که مزاری نسل دیروز و امروز را با هم پیوند داده است. اما پس از مزاری مهم‌ترین کلیدواژه‌ی افکارش که «وحدت» باشد رو به شکست گراییده است. چندپارچگی در درون جامعه‌ی هزاره و سطح رهبری هزاره‌ها قابل مشاهده است.

روزی که از آرمان‌های مزاری تجلیل می‌شود، هزاره‌بودن جرم است و جامعه هزاره شاهد نابرابری‌ها و روایت‌های هزاره‌ستیزی است. در بهسود میدان وردک دولت علیه‌ی علی‌پور، فرمانده محلی که برای حفاظت از مردم برخاسته اقدام نظامی می‌کند. اقدام نظامی نه برای این‌که او تهدیدی برای نظام باشد، نه برای این‌که او خطری به امنیت ملی کشور باشد، نه برای این‌که با گروه‌های هراس‌افکن دست داشته است، بلکه صرفاً برای «نمایش قدرت» در امن‌ترین نقاط کشور. دلایل حکومت در این خصوص ناواضح و گنگ است. در جبرئیل هرات، بر خانه‌های مسکونی تیراندازی می‌کند؛ به‌خاطر دستگیری یک نفر «سلح غیرمسئول» و تنی چند از افراد او، ده‌ها فرد ملکی و بی‌گناه را می‌کشد و مجروح می‌کند. در ننگرهار کارگران هزاره‌تبار که هیچ‌گونه درک و دخل از سیاست و زد و بندها ندارند، بدون جرم صرفاً با انگیزه‌ی قومی به قتل می‌رسند اما آب از آب تکان نمی‌خورد. و موارد دیگر...

لازم به توضیح است که هدف حمایت از گروه‌های مسلح غیرمسئول نیست. اگر حکومت تصمیم تسویه حساب با مسلحان غیرمسئول را دارد داشته باشد، اما در پشت آن انگیزه‌ی قومی نباشد؛ برخورد چندگانه وجود نداشته باشد. درد مردم هزاره در فرق گذاشتن است و در این میان رهبران جامعه هزاره سکوت اختیار کرده‌اند. از سنگ صداست از آن‌ها نه. رهبران جامعه هزاره برای منافع زودگذر و ترس از ظهور مجدد طالبان در پشت کاربزمای مزاری پنهان شده و ضعف‌های خویش را توجیه می‌کنند. این‌جاست که به فقدان مزاری و عدم پیروی از اندیشه‌های او پی می‌بریم.

محور سوم: ضرورت نقد مزاری

با تجلیل‌ها، سرودها، مقالات و توصیف‌هایی که از مزاری می‌شود، حس تعلق به مزاری را تقویت می‌کند. خطر جدی که متوجه افکار مزاری است، تبدیل شدن مزاری از یک فریادگر اجتماعی به قدیس است. با در نظر گرفتن

وضعیت موجود که صرفاً توصیف می‌کنیم اما راه نقد را بسته‌ایم، از مزاری بت می‌سازیم، چنان‌که پرستیده شود و هیچ نوع نقد را نپذیرد. بدترین خطری که متوجه افکار اوست، مسدود کردن مسیر نقد است. مزاری در یک زمان و مکان خاص مبارزه کرد؛ این مبارزت به همان اندازه که سرمشق و راهبردی بود، کم‌وبیش خطاها و مشکلاتی را نیز داشت. لازم است نسل امروز با نگاه مقایسه‌ای به کارکردهای او نظر اندازد. با بیان کاستی‌ها و چالش‌هاست که دورنمایی واقع‌بینانه‌تر ترسیم‌شدنی است و گرنه با انسداد زمانی مواجه می‌شویم. ناگزیر در گذشته زندگی کرد و در گذشته نفس کشید. اجازه دهیم مزاری نقد شود، کنش‌های سیاسی وی با رفتار سیاسی رهبران کنونی مقایسه شوند. تا آشکار شود که تفاوت از کجاست تا به کجا.

در نتیجه می‌توان گفت که ما در عصر فقدان افکار مزاری زندگی می‌کنیم، نه‌تنها افکار و طرح‌های ملی او تطبیق نمی‌شود، بلکه هنوز جامعه هزاره در معرض تعارض، نابرابری، نسل‌کشی و هزاره‌ستیزی مطلق قرار دارد. سکوت سیاسیون پس از مزاری در داوور و ناروا است. بن‌بست در نقد مزاری را بشکنیم، هرکسی خواست از او نقدی مطرح کند، با دیده‌ی باز و بینش انسانی استقبال شود. هم فرصت نقد فراهم باشد و هم تداوم افکار سازنده‌اش.

با در نظر داشت مشکلات موجود، نسل کنونی جامعه هزاره، عقده‌ای به بار آمده است؛ از آن‌جا که دست‌شان از قدرت کوتاه است کاری برای محرومیت‌زدایی، ظلم‌زدایی انجام داده نمی‌تواند. این عقده در چهره‌های موفقیت در برنامه تجاری ستاره افغان تبارز پیدا می‌کند و یا عقده‌های محرومیت و نابرابری را با موفقیت در ستاره افغان و سایر موضوعات می‌گشاید. وقتی با انسداد رهبری راه‌گشا مواجه باشیم، لاجرم عقده‌ی محرومیت، مردم را به دنبال حبیب غوریانی یا امثالهم می‌کشاند. حمایت از غوریانی تا قربانی دادن برای او یکی از دلایل همین عقده جمعی و اعتراض به تبعیض سیستماتیک است.

خواندن توانستن است

فروش ویژه

شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰ با کتاب‌های کمک آموزشی هشت پا ویژه کودکان و مکاتب از صنف اول الی صنف شش

انتشارات کودکان؛ ناشر پیشرو در انتشار کتاب و مواد آموزشی برای کودکان و مکاتب

فروشگاه مرکزی: کارن، کارن ۴، چهارراه بل سرخ، مارکت تجاری ملی، مجتمع کتابستان منزل اول، انتشارات و فروشگاه کودکان
 ☎ ۰۷۶۳۳۴۹۰۲ - ۰۷۶۳۳۴۹۰۱ - ۰۷۶۳۳۴۹۰۰
 ☎ ۰۷۶۳۳۴۹۰۱ - ۰۷۶۳۳۴۹۰۰ - ۰۷۶۳۳۴۹۰۰

ادرس نمایندگی‌های ولایات

- ☎ نمایندگی ۱ مزار شریف: جاده زینت‌الوجه، مانا ابراهیم، نزدیک مدرسه سلطانیه، بوستان فرهنگی گل فریا ۰۷۸۲۱۱۸۹۹ | ۰۷۸۲۱۱۸۹۸ | ۰۷۸۲۱۱۸۹۷
- ☎ نمایندگی ۲ مزار شریف: نمایشگاه بین‌المللی دامر کتاب معانت، مقابل کتابفروشی بهمنی | ۰۷۷۹۰۰۹۲۹
- ☎ نمایندگی ۱ هرات: جبرئیل، چهارده منری بالا، روی روی کول، کتابسرای جبرئیل | ۰۷۸۵۸۹۸۱۳ | ۰۷۸۵۸۹۸۱۲ | ۰۷۸۵۸۹۸۱۱
- ☎ نمایندگی ۲ هرات: چوک گله، جنب کتابخانه جامع انتشارات فریادی | ۰۷۹۸۱۰۷۷۱۹ | ۰۷۹۸۱۰۷۷۱۸ | ۰۷۹۸۱۰۷۷۱۷
- ☎ نمایندگی بامیان: بازار باغیان، جوار مارکت سبزی و میوه فروشی، کتابفروشی معرفت | ۰۷۲۰۶۶۴۰۰۹ | ۰۷۲۰۶۶۴۰۰۸ | ۰۷۲۰۶۶۴۰۰۷

zaki.daryabi2@gmail.com

۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پتواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

ایمیل: dailytilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه

شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۱۲ - ۰۷۶۷۴۳۵۷۷۷

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۵۰۱۸۷

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲